

جزوه طلایی منطق و فلسفه

دکتر علی معزی



@alimoezi



dr.ali.moezi

منطق

۱- عبارت صحیح درباره علم منطق، کدام است؟

- (۱) ذهن انسان در عین جهل نسبت به اسامی قواعد منطق، در زندگی از آنها استفاده می نماید.
- (۲) ماده و محتوایی که در استدلال های منطقی استفاده می شود باعث پدید آمدن بنای فکری مستحکم می شود.
- (۳) تاکید منطق بر روی بیان قوانین حاکم بر ذهن است تا عوامل لغزش ذهن را از بین ببرد.
- (۴) مقصود از ترازو بودن علم منطق از دیدگاه ابن سینا، فراهم کردن محتوای یقینی برای علوم مختلف است.

۲- کدام گزینه درست نیست؟

- (۱) جملاتی که با «چیست» پایان می پذیرد و جملاتی که با «چرا» آغاز می شود به ترتیب با تعریف و استدلال ارتباط دارند.
- (۲) تقسیم علم منطق به دو بخش، بر مبنای وظیفه آن صورت می گیرد.
- (۳) هر تصدیقی توسط استدلال معلوم خواهد شد و هر تصویری توسط تعریف روشن می شود.
- (۴) منطق با فکر سر و کار دارد و فکر هم براساس هدفش به دو بخش منقسم می شود؛ پس منطق هم دو بخشی است.

۳- هریک از عبارات زیر، به ترتیب به کدام ویژگی علم منطق اشاره دارد؟

- صرف آموختن منطق موجب مصون ماندن از خطای ذهنی نمی شود.
- مواد و مصالح لازم برای ساختن بنای فکری مستحکم، از علوم دیگر تهیه می شود.
- (۱) طبیعی - کاربردی (۲) کاربردی - ذاتی (۳) کاربردی - ابزاری (۴) ابزاری - کاربردی

۴- کدام عبارت، تعریف محسوب می شود؟

- (۱) دانش منطق، زمینه ساز دستیابی به مهارت تفکر فلسفی است.
- (۲) استفاده از تصدیق های معلوم برای کشف تصدیق مجهول.
- (۳) با استفاده از وسایل نقلیه عمومی باعث کاهش آلودگی هوا شوید.
- (۴) قواعد تعریف درست را می آموزیم تا احتمال خطا در اندیشه را کاهش دهیم.

۵- در کدام گزینه از تعریف استفاده شده است؟

- (۱) برای حفظ محیط زیست باید از مصرف بی رویه آب جلوگیری کرد.
- (۲) دوستم مرتب و زیاد درس می خواند؛ حتماً در کنکور قبول می شود.
- (۳) به پرتقال و نارنگی و لیمو، مرکبات می گویند.
- (۴) ابری در آسمان نیست؛ پس باران نمی بارد.

۶- برای معلوم ساختن کدام مورد، تعریف به کار می رود؟

- (۱) علم و دانش بشری به دو قسم تصور و تصدیق تقسیم می شود.
- (۲) برخی فیلسوفان غربی به وجود نفس غیرمادی اعتقاد ندارند.
- (۳) مکاتب مهم فلسفی که در جهان اسلام مطرح شده اند.
- (۴) انسان در این جهان جاودانه نیست.

۷- کدام عبارت درست نیست؟

- (۱) برای جلوگیری از دچار شدن به مغالطات، منطق بیش از همه بر روی آموزش شیوه درست اندیشیدن تاکید می‌کند.
- (۲) منطق را به دو بخش اصلی تعریف و استدلال تقسیم می‌کنند چرا که وظیفه اصلی آن، جلوگیری از خطای ذهن است.
- (۳) تصور، معادل مفهوم، معنا و حکم است که در آن به واقعیت داشتن یا نداشتن امور، کاری نداریم.
- (۴) تصدیق، ادراک همراه حکم است و معادل قضیه است که در آن اوصافی را به چیزی نسبت می‌دهیم یا از آن سلب می‌کنیم.

۸- کدام عبارت درست نیست؟

- (۱) تشبیه منطق به شاقول بنایی بیانگر ابزاری بودن علم منطق است.
- (۲) منطق با ساختن ماده و محتوای لازم باعث پیشرفت سایر علوم می‌شود.
- (۳) منطق‌یون قواعدی که باید رعایت کنیم تا دچار خطای فکری نشویم را مشخص کرده‌اند.
- (۴) توجه به تفاوت اقسام دانش، پیش نیاز آشنایی به دو حیطه اصلی منطق است.

۹- در کدام مورد، زمینه مغالطه اشتراک لفظ وجود ندارد؟

- (۱) زهرا و همسرش پنج سال اختلاف داشتند.
- (۲) فیروزه زن بهرام است؛ فیروزه سنگ گرانبهایی است. پس زن بهرام سنگ گرانبهایی است.
- (۳) رستم شیر است؛ شیر در بیشه زندگی می‌کند. پس رستم در بیشه زندگی می‌کند.
- (۴) باز به سمت پنجره رفت و آنجا نشست.

۱۰- در کدام مورد، هر سه نوع دلالت به کار رفته است؟

- (۱) در زندان قدم زد تا در پاهای خود احساس سنگینی کرد؛ سپس به پشت دراز کشید.
- (۲) روزی بچه آهوپی را به دام افکند، پایش را شکست و سگی را به پاسبانی‌اش گماشت.
- (۳) فردی مثل سقراط، همیشه خواب راحت را از دیدگان فضل‌فروشان می‌رباید.
- (۴) چهره بگشا، به سوی مادر برو و رویش را ببوس.

۱۱- کدام عبارت درست است؟

- (۱) از آنجایی که برای بیان افکار و اندیشه‌های خود به دیگران از الفاظ استفاده می‌کنیم، قواعد منطق تابع قواعد زبان است.
- (۲) فقط خطاهایی که در حوزه زبان و الفاظ پیش می‌آید، در منطق مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.
- (۳) چون خطا در الفاظ موجب خطای اندیشه می‌شود، در منطق به بحث الفاظ توجه می‌شود.
- (۴) در منطق، اصول کلی و قواعد صرفی و نحوی هر زبانی مورد بحث قرار می‌گیرند.

۱۲- در کدام عبارت، احتمال برداشت معانی متفاوت وجود ندارد؟

- (۱) شیشه میز شکسته را فروختم.
- (۲) خواجه در ابریشم و ما در گلیم
- (۳) ببخشید ساعت‌تون چند است؟
- (۴) مریم و برادرش دو سال اختلاف سن دارند.

۱۳- در کدام عبارت، به کار بردن دلالت مطابقی به جای تضمینی یا التزامی موجب بروز خطای فکری شده است؟

- (۱) مریم: فردا به دیدنتان می‌آیم.
- زهرا: آدرس جدید می‌دهم؛ چون خانه‌کشی کردیم.
- (۲) امید: از شنیدن این خبر دلم به درد آمد.
- مادر: الآن می‌برمت دکتر؛ نگران نباش.
- (۳) پروانه دختر من است، پروانه می‌تواند پرواز کند.
- پس: دختر من می‌تواند پرواز کند.
- (۴) احمد به مادرش احترام می‌گذارد.
- پس: او فرد متدینی است.

۱۴- در کدام مورد، هر سه نوع دلالت به کار رفته است؟

- (۱) وقتی سقراط را به دادگاه آوردند، حاضران به احترام شیردلی‌های او در جنگ‌های پلوپونزی، از صندلی‌ها برخاستند.
- (۲) در میانه راه به شهری فرود آمدند که مردمش به پاک‌دستی شهره بودند پس با خیالی آسوده در منزلی ساکن شدند.
- (۳) چهل و غرور دو صفت انسان است که نزد هر جامعه و قومی ناپسند است؛ پس باید از این دو دست شست.
- (۴) شیر خود را سلطان جنگل می‌دانست و حیوانات دیگر تحت فرمان او به سر می‌بردند.

۱۵- در کدام گزینه، مغالطه توسل به معنای ظاهری رخ داده است؟

- (۱) - شما به دانشگاه هم می‌روید؟
- بله. اگر مسافر داشته باشم، به دانشگاه هم می‌روم.
- (۲) - علی به معلمش احترام می‌گذارد.
- او فرد متدینی است.
- (۳) - این فرد به من گفت که او را لعن و نفرین کنم.
- پس لعنت بر او باد.
- (۴) - شیرینی‌های خرید شده توسط خواهرم خورده شد.

۱۶- در کدام مورد، مغالطه ابهام در مرجع ضمیر مشهود است؟

- (۱) علی و زهرا با هم ازدواج کردند.
- (۲) خواهر فاطمه دختر خوبی است.
- (۳) پرستار پیرمرد، لباسش را مرتب کرد و ویلچرش را حرکت داد.
- (۴) علی گفت: «من باید به کارخانه بروم»

۱۷- در کدام گزینه هر سه نوع دلالت برای الفاظ مشخص شده به کار رفته است؟

- (۱) «علی» نقطه ندارد - دیروز یک مداد خریدم - او شیر است.
- (۲) آدرس را از آن مغازه بپرس - خودروی ما را در جاده جریمه کردند - کتابم را گم کردم.
- (۳) حسین همچون شیر است - تلویزیون بدآموزی دارد - خانه‌ام را رنگ کردم.
- (۴) دستم به دامنت - یک دیوار از اتاقم را رنگ کردم - دزد ماشینم را برد.

۱۸- اگر مفهوم A دارای دو قسم B و C باشد و مفهوم C دارای دو قسم D و E باشد، کدام مورد درست است؟

- (۱) بین B و غیر C مصداق مشترکی وجود ندارد.
- (۲) نسبت B و C عام و خاص مطلق است.
- (۳) غیر C نمی‌تواند زیرمجموعه A قرار بگیرد.
- (۴) غیر D با C نسبت عموم و خصوص مطلق دارد.

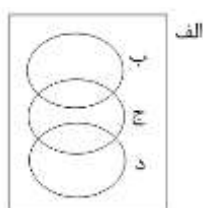
۱۹- حمل «جسم» بر کدام دسته از مفاهیم، ضروری است؟

- (۱) جیوه، اکسیژن، درخت، شکلات
- (۲) شکل، جیوه، پارچه، شیرین
- (۳) رنگ، اکسیژن، آهو، سیب
- (۴) مکعب، هوا، گیاه، مربع

۲۰- کدام عبارت درست است؟

- (۱) رابطه میان معانی دو مفهوم کلی، به چهار حالت قابل تصور است که به آن‌ها، نسبت‌های چهارگانه می‌گویند.
- (۲) با تحلیل یک مفهوم و ذکر ویژگی‌های مشترک و اختصاصی مصادیق آن، تعریف مصداقی انجام می‌شود.
- (۳) با طبقه‌بندی یک مفهوم می‌توان وجه مشترک و وجه تمایز آن را از سایر مفاهیم مشخص کرد.
- (۴) در هر دسته‌بندی، تمام مصادیق یک مفهوم عام، در درون طبقه مفهوم خاص قرار دارد.

۲۱- هریک از اشکال تصویر مقابل، مصادیق کدام مفاهیم را نشان می‌دهد؟



- (۱) الف: انسان ب: دانش‌آموز ج: ایرانی د: اروپایی
- (۲) الف: حیوان ب: جاندار ج: مهره‌دار د: بی‌جان
- (۳) الف: موجود ب: اسب ج: راه‌رونده د: انسان
- (۴) الف: مقدار ب: شکل ج: زوج د: عدد اول

۲۲- می‌دانیم که مفهوم B اعم از مفهوم A و مفهوم C اعم از مفهوم B است. نسبت میان A با نقیض C و

نقیض B با C به ترتیب کدام است؟

- (۱) تباین - عموم و خصوص من‌وجه
- (۲) تباین - تباین
- (۳) عموم و خصوص من‌وجه - عموم و خصوص مطلق
- (۴) تباین - عموم و خصوص مطلق

۲۳- هرگاه A و B دو مفهوم کلی باشند که A مصادیق مشترکی با B داشته باشد به نام C و مصادیق

اختصاصی خود را نیز داشته باشد، کدام عبارت درست خواهد بود؟

- (۱) میان A و B می‌تواند رابطه تساوی برقرار باشد.
- (۲) رابطه A با غیر C عموم و خصوص من‌وجه است.
- (۳) رابطه B با C حتماً تساوی است.
- (۴) غیر C مصادیق اختصاصی B خواهد بود.

۲۴- در کدام گزینه، رابطه دو مفهوم، با موارد دیگر متفاوت است؟

- (۱) عدد هشت و زوج
- (۲) پنبه و جسم
- (۳) جاندار و گیاه
- (۴) بی‌مهره و ماهی

۲۵- می‌دانیم که مفهوم B اعم از مفهوم M و مفهوم M اعم از مفهوم A است. نسبت میان A و B با نقیض M، به ترتیب کدام است؟

- (۱) تباین - تباین
(۲) تباین - عموم و خصوص مطلق
(۳) تباین - عموم و خصوص من وجه
(۴) عموم و خصوص مطلق - عموم و خصوص مطلق
- ۲۶- بین مفاهیم «غیرانسان و غیرحیوان» و «غیرانسان و غیرناطق» به ترتیب چه نسبتی برقرار است؟

- (۱) عام و خاص مطلق - تباین
(۲) تساوی - عام و خاص مطلق
(۳) عام و خاص مطلق - تساوی
(۴) تباین - عام و خاص مطلق
- ۲۷- بین مفاهیم «غیرانسان و غیراسب» و «غیرزوج و غیرفرد» به ترتیب چه نسبتی برقرار است؟

- (۱) عام و خاص مطلق - تباین
(۲) تباین - عام و خاص من وجه
(۳) تباین - عام و خاص مطلق
(۴) عام و خاص من وجه - تباین

۲۸- کدام تعریف جامع و مانع نیست؟

- (۱) فعل: کلمه‌ای که بر انجام کاری دلالت می‌کند.
(۲) آینه: شیئی که نور را منعکس می‌کند.
(۳) ماهی: مهره داری که دارای آبشش است.
(۴) انسان: حیوان راست قامت.

۲۹- کلماتی که برای معادل‌های کلمات خارجی وضع می‌شوند، تعریف هستند و تعریف صحیح، قطعاً

.....

- (۱) لغوی - تعریف شیء به خود است.
(۲) لفظی - تعریف شیء به خود نیست.
(۳) مفهومی - تعریف شیء به خود است.
(۴) مصداقی - تعریف شیء به خود نیست.

۳۰- کدام مورد، عبارت درستی را در مورد تعریف بیان می‌کند؟

- (۱) تعریف، نوعی تفکر است که اگر انسان توانایی آن را نداشت، هیچ تصویری را نمی‌شناخت.
(۲) وقتی اوصافی را به یک مفهوم نسبت می‌دهیم یا از آن سلب می‌کنیم، در حقیقت آن را تعریف کرده‌ایم.
(۳) در برخی از انواع تعریف، مفهوم را از نظر اجزاء سازنده‌اش در نظر می‌گیریم و آن را به دو جزء عام و خاص تحلیل می‌کنیم.
(۴) برای تعریف یک تصور، چند تصور معلوم را به یک تصور مجهول نسبت می‌دهیم و آن را در قالب یک تصدیق بیان می‌کنیم.

۳۱- کدام تعریف، صحیح است و قواعد منطقی را رعایت کرده است؟

- (۱) علت: آنچه به معلول هستی می‌دهد.
(۲) مربع: شکل محدود به چهار ضلع
(۳) خورشید: سکه طلایی آسمان
(۴) مثلث: شکلی با خطوط بسته که مجموع زوایای داخلی آن ۱۸۰ درجه است.

۳۲- در کدام بیت استقرار تمثیلی وجود ندارد؟

- (۱) عیب پاکان زود بر مردم هویدا می‌شود/ موی اندر شیر خالص زود پیدا می‌شود.
- (۲) پرتو نیکان نگیرد هر که بنیادش بد است/ تربیت نا اهل را چون گردکان بر گنبد است.
- (۳) عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را / دزد دانا می‌کشد اول چراغ خانه را.
- (۴) هر کسی در راه ما خاری نهد از دشمنی/ هر گلی کز باغ وصلش بی خار باد.

۳۳- کدام استدلال، تمثیلی است؟

- (۱) پزشکی که در درمانگاه روستایی مشغول به کار بود با دیدن افراد زیادی که با سرفه‌های شدید به درمانگاه مراجعه می‌کردند، به شیوع سل در آن روستا پی برد.
- (۲) شخصی بعد از گرفتن داروهایش از داروخانه، به فرد دیگری که دارو در دستش بود، گفت: داروهای شما هم شبیه داروهای من است؛ پس بیماری شما هم آنفلوآنزا است.
- (۳) احمد برای دیدن دوستش رفته بود که دوستش گفت: چند روز است تب و سردرد دارم. احمد گفت: حتماً سرما خورده‌ای.
- (۴) پزشکی با دیدن نتیجه آزمایش‌های بیمار، به او گفت: شما به دیابت مبتلا شده‌اید.

۳۴- کدام عبارت درست است؟

- (۱) اگر در یک شهر چند نفر را که ظاهری شبیه به هم دارند، ببینیم و سپس بگوییم افراد این شهر همگی شبیه هم هستند، نوعی استقرار تمثیلی به کار برده‌ایم.
- (۲) در استنتاج بهترین تبیین، نتیجه‌ای احتمالی حاصل می‌شود؛ زیرا نوعی استقرار است که با بررسی حالات مختلف، حکمی به دست می‌دهد.

(۳) با استفاده از علوم تجربی می‌توان استدلال‌های استقرائی قوی انجام داد و قوانین علمی کلی به دست آورد.

(۴) اگر شرایط استقرار تعمیمی رعایت شود، در صورت پذیرفتن باید ضرورتاً نتیجه را بپذیریم.

۳۵- در چندین ماه آغازین شیوع کووید ۱۹، موردی از ابتلای کودکان گزارش نشده بود و پزشکان معتقد

بودند که کودکان دچار کووید ۱۹ نمی‌شوند. کدام عبارت درباره این نتیجه‌گیری مناسب‌تر است؟

- (۱) قیاسی است که حد وسط ندارد.
- (۲) با چشم پوشی از موارد نقض است.
- (۳) مغالطهٔ ایهام انعکاس است.
- (۴) نوعی تعمیم شتاب زده است.

۳۶- نوع کدام استدلال، با بقیه متفاوت است؟

- (۱) اگر کارمندان مجموعه‌ای منظم باشند، کارها به خوبی پیش می‌رود. کارهای این اداره به خوبی پیش نمی‌رود؛ پس حتماً کارمندان آن منظم نیستند.

(۲) همسایه ما فرد منظمی است؛ هر روز ساعت ۷ صبح در پارک ورزش می‌کند. اگر فردا صبح بیاید، می‌توانید او را در پارک ببینید.

(۳) تمامی دانش‌آموزان این مدرسه منظم هستند؛ پس دختر شما هم که در این مدرسه تحصیل می‌کند، منظم است.

(۴) هر کسی که منظم باشد، ورزش را ترک نمی‌کند. او منظم است؛ پس ورزش را ترک نمی‌کند.

۳۷- کدام عبارت بیان یک استقرای تعمیمی است؟

- (۱) استعداد علی در ریاضیات عالی است و هر بار، موفق به حل مسائل پیچیده‌تری می‌شود، بنابراین شانس او برای آوردن رتبه در المپیاد، زیاد است.
- (۲) از وقتی یادم می‌آید، روزها از ابتدای پاییز کوتاه می‌شوند. با توجه به مدار حرکت زمین به دور خورشید، روزهای آخر پاییز، از همه کوتاه‌ترند.
- (۳) در انتخاب مشخص شد که ۹۰٪ مردم خواستار اداره شهر به شکل شورایی هستند. نظر من هم این است که اداره شورایی، کارآمدتر است.
- (۴) چندین بار، آبریزش چشم پروین با استفاده از نوعی قطره بهبود یافت. او این دارو را به همه آشنایان خود توصیه می‌کند.

۳۸- محتوای همه ابیات زیر به ضعیف بودن استقرای تمثیلی اشاره دارد؛ به جز:

- (۱) چون بسی ابلیس آدم روی هست / پس به هر دستی نشاید داد دست
- (۲) از قیاسش خنده آمد خلق را / کو چو خود پنداشت صاحب دلق را
- (۳) گر به صورت آدمی یکسان بدی / احمد و بوجهل هم یکسان بدی
- (۴) سگ اصحاب کهف روزی چند / پی نیکان گرفت و مردم شد

۳۹- کدام عبارت درباره انواع استدلال استقرایی درست است؟

- (۱) تمثیل نوعی استدلال است که به صرف مشابَهت ظاهری، حکم یکی را به دیگری تسری می‌دهد.
- (۲) اصطلاح قیاس در ادبیات مترادف با معنای منطقی آن است.
- (۳) در استنتاج بهترین تبیین حتی احتمالات بسیار ضعیف نیز مد نظر قرار می‌گیرند.
- (۴) تمام انواع استقرای تعمیمی (در سطوح مختلف) می‌توانند مبنای علوم تجربی قرار بگیرند.

۴۰- در هریک از ابیات زیر به ترتیب چند «تصدیق» وجود دارد؟

- (الف) به فیض نگنجی و به وصف در نیایی / متحیرم در اوصاف جمال و روی و زبیت
- (ب) بیا و هستی حافظ ز پیش او بردار / که با وجود تو کس نشود زمین که منم
- (ج) غم و اندیشه در آن دایره هرگز نرود / به حقیقت که تو چون نقطه میانش باشی

- (۱) سه تصدیق - یک تصدیق - یک تصدیق
- (۲) دو تصدیق - دو تصدیق - یک تصدیق
- (۳) سه تصدیق - یک تصدیق - دو تصدیق
- (۴) دو تصدیق - یک تصدیق - یک تصدیق

۴۱- کدام گزینه، قضیه محسوب نمی‌شود؟

- (۱) الحمد لله
- (۲) ان شاء الله
- (۳) الله اکبر
- (۴) الله الصمد

۴۲- محمول در قضیه «پروانه به دور شمع گشت» و موضوع در قضیه «جهان گشت ویران ز کردار او» به

ترتیب کدام است؟

- (۱) به دور شمع - جهان
- (۲) گردان به دور شمع - کردار او
- (۳) به دور شمع - کردار او
- (۴) گردان به دور شمع - جهان

۴۳- کدام عبارت درست است؟

- (۱) در عبارت «نقش ما گو نگارند به دیباچه عقل/ هرکجا نامه عشق است نشان من و توست»، فقط یک قضیه به کار رفته است.
- (۲) در عبارت «چون نیک نظر کرد پر خویش در آن دید/ گفتا ز که نالیم که از ماست که بر ماست» دو قضیه شرطی و دو قضیه حملی به کار رفته است.
- (۳) در عبارت «چرخ نبندد گرهی بر سرت/ تا نگشاید گرهی دیگر». یک بار «گره بر سر بستن» از چرخ سلب شده و بار دیگر «گشودن گره» به آن نسبت داده شده است.
- (۴) در قضیه «در طلب دانش همت می‌کنم»، به ثبوت «همت» برای «طلب دانش» حکم شده است.

۴۴- کدام مورد قضیه شخصی محسوب نمی‌شود؟

- (۱) ارتش ایران، حافظ مرزهای کشور است.
- (۲) افلاطون و سقراط، یونانی هستند.
- (۳) دانشجویان حاضر در کلاس ۱۰ نفر بودند.
- (۴) آن کس که بکوشد، موفق می‌شود.

۴۵- کدام عبارت درباره مربع تقابل، نادرست است؟

- (۱) با استفاده از آن می‌توان در صورت معلوم بودن صدق یا کذب یک قضیه محصوره، به صدق یا کذب قضیه دیگر پی برد.
- (۲) قواعد ثابت ماندن یا تغییر کمیت و کیفیت و اجزای دو قضیه که با یکدیگر رابطه دارند را نشان می‌دهد.
- (۳) رابطه دوه‌دوی میان قضایای محصوره از نظر صدق و کذب و تغییر کمیت و کیفیت را نشان می‌دهد.
- (۴) این مربع نشان می‌دهد که میان قضایای محصوره، حداقل چهار رابطه وجود دارد.

۴۶- در کدام مورد، مغالطه ایهام انعکاس وجود دارد؟

- (۱) تعدادی از کالاهایی که صادر می‌شوند، از مالیات معاف نشده‌اند، پس چند قلم از کالاهای معاف از مالیات، صادر نشده‌اند.
- (۲) چون هیچ‌یک از علفخوارانی که تا کنون مشاهده شده بدون سُم نبوده‌اند، می‌فهمیم که بعضی بدون سُم‌ها جزء علفخواران نیستند.
- (۳) بعضی فیلسوفان، رابطه ضروری میان علت و معلول را انکار می‌کنند، پس تعدادی از کسانی که منکر ضرورت علی و معلولی‌اند، فیلسوف‌اند.
- (۴) طبق نظرسنجی‌ها، هیچ‌یک از مردم موافق افزایش قیمت کالاهای اساسی نیستند، پس ما با افزایش قیمت کالاهای اساسی موافق نیستیم.

۴۷- با ساختن کدام گزینه برای یک قضیه، کیفیت قضیه به دست آمده با قضیه اصلی تفاوت دارد؟

- | | |
|----------------|------------------|
| (۱) نقیض متضاد | (۲) متداخل متضاد |
| (۳) متداخل عکس | (۴) عکس مستوی |

۴۸- به فرض درستی گزاره «هر واقعیتی یک بخش ناشناختنی دارد»، کدام مورد را به نحو منطقی می‌توان نتیجه گرفت؟

- (۱) هر واقعیتی یک بخش شناختنی دارد.
- (۲) بعضی از واقعیت‌ها ناشناختنی هستند.
- (۳) برخی چیزها که بخش ناشناختنی دارند، واقعیت‌اند.
- (۴) آن چه که بخش ناشناختنی دارد، قسمتی از واقعیت است.

۴۹- کدام عبارت درست است؟

- (۱) دو قضیه متضاد، نمی‌توانند همزمان صادق باشند و همچنین نمی‌توانند همزمان کاذب باشند.
 - (۲) دو قضیه متداخل، می‌توانند همزمان صادق باشند، ولی همزمان نمی‌توانند کاذب باشند.
 - (۳) در دو قضیه متضاد و متناقض، اگر قضیه اول صادق باشد، دومی حتماً کاذب است.
 - (۴) دو قضیه متناقض، همزمان صادق نیستند، اما همزمان می‌توانند کاذب باشند.
- ۵۰- اگر متضاد قضیه صادق «هیچ الف ب نیست» را عکس مستوی کنیم؛ کدام مورد درباره صدق و کذب

قضیه به دست آمده صحیح است؟

- (۱) قابل معکوس شدن نیست
 - (۲) حتماً صادق خواهد بود.
 - (۳) ممکن است صادق یا کاذب باشد.
 - (۴) حتماً کاذب خواهد بود.
- ۵۱- در صورت درستی «هیچ الف ب نیست»، حکم قضایای «هر ب الف است» و «بعضی ب الف نیست» به ترتیب چه خواهد بود؟

- (۱) کاذب- صادق (۲) صادق - کاذب (۳) کاذب - کاذب (۴) صادق - صادق

۵۲- با فرض درستی قضایای زیر، هرگاه تغییرات مربوط به احکام قضایا را بر آنها اعمال کنیم، از کدام مورد، بیشترین قضایایی که صدق یا کذب آنها را می‌توان فهمید، به دست می‌آید؟

- (۱) مکالمات افلاطون، جملگی، یکی از بهترین میراث‌های فلسفی و نکته‌سنجی‌های فرهنگ بشری است.
- (۲) از موارد اختلاف سهروردی با مشائیان، مسئله «حرکت» و «اصلت وجود یا ماهیت» است.
- (۳) ابن سینا معتقد است روشن‌ترین دلیل برای وجود نفس، آگاهی از «خود» است.
- (۴) گروهی از فیلسوفان، وجود ماده غیرقابل درک را منتفی می‌دانستند.

۵۳- هرگاه بدانیم «بعضی غیرمربع‌ها، مثلث هستند»، نقیض عکس آن کدام است و صادق است یا کاذب؟

- (۱) بعضی غیرمثلث‌ها، مربع هستند. - صادق
- (۲) هیچ غیرمربعی، مثلث نیست. - کاذب
- (۳) بعضی مثلث‌ها، غیرمربع هستند. - کاذب
- (۴) هیچ مثلثی، غیرمربع نیست. - کاذب

۵۴- در کدام قیاس، شرایط حد وسط رعایت نشده است؟

- (۱) حیوان دارای حواس است، هر دارای حواس جاندار است، پس حیوان جاندار است.
- (۲) شیر حیوان است، هر شیری گوشتخوار است. پس بعضی حیوانها گوشتخوار هستند.
- (۳) احمد در خانه است، خانه بی حرکت است. پس احمد بی حرکت است.
- (۴) جیوه از فلزات است، فلزها رسانا هستند. پس جیوه رسانا است.

۵۵- در کدام گزینه، دایره مصادق موضوع و محمول هر دو قضیه، یکسان است؟

- (۱) سالبه کلیه - شخصیه سالبه
- (۲) موجبه جزئیه - موجبه کلیه
- (۳) سالبه کلیه - شخصیه موجبه
- (۴) موجبه کلیه - سالبه کلیه

۵۶- اگر دو قضیه کاذب داشته باشیم که یکی «هیچ الف ب نیست» و دیگری «بعضی غیر ج ب است» باشد، کدام عبارت را می توان پذیرفت؟

- (۱) با تشکیل یک قیاس اقترانی از این دو مقدمه، می توان قضیه «بعضی الف ج نیست» را نتیجه گرفت.
- (۲) با استفاده از قواعد منطق می توان از صدق «بعضی الف غیر ج نیست» اطمینان داشت.
- (۳) به دلیل کاذب بودن قضایا، به هیچ نحو نمی توان نتیجه معتبری را به دست آورد.
- (۴) قضیه «هیچ الف غیر ج نیست» را می توان به طور معتبر، از آنها نتیجه گرفت.

۵۷- اگر جزء مشترک قیاس، در دو مقدمه به یک معنا به کار برود، یعنی

- (۱) موضوع و محمول مقدمات یکسان است و در صورت رعایت سایر شرایط، از این مقدمات نتیجه ای معتبر به دست می آید.
- (۲) آن قیاس معتبر است و می توان با حذف حد وسط در نتیجه، محمول را به موضوع نسبت داد.
- (۳) آن دو مقدمه با یکدیگر ارتباط دارند و اجزای نتیجه قیاس در مقدمات وجود دارد.
- (۴) در اصل ارتباطی میان دو قضیه وجود ندارد تا بتوان قیاس تشکیل داد.

۵۸- در کدام گزینه با قیاسی روبه رو هستیم که نتیجه آن فقط اگر یک قضیه «جزئیه» باشد، معتبر است؟

- (۱) هر ب پ است، هیچ الف ب نیست.
- (۲) هر ب پ است، هر پ الف است.
- (۳) هیچ پ الف نیست، بعضی الف ب است.
- (۴) هر الف ب است، هر پ ب است.

۵۹- اگر نقیض یکی از مقدمات قیاسی «بعضی م ج نیست» و «م» حد وسط آن باشد، کدام نتیجه نمی تواند از این قیاس به دست آید؟

- (۱) بعضی پ ج است
- (۲) هر پ ج است
- (۳) بعضی پ ج نیست
- (۴) بعضی ج پ نیست.

۶۰- اگر نقیض یکی از مقدمات قیاسی «بعضی الف ب نیست» و «الف» حد وسط آن باشد، کدام نتیجه نمی تواند

از این قیاس به دست آید؟

- (۱) هر ج ب است.
- (۲) بعضی ج ب نیست.
- (۳) بعضی ب ج است.
- (۴) بعضی ب ج نیست.

۶۱- اگر قضیه «هر الف ب است» از مقدمات یک استدلال معتبر باشد و بدانیم که «ب» حد وسط است، کدام قضیه نمی تواند مقدمه دیگر این استدلال باشد؟

- (۱) هر ب ج است. (۲) بعضی ب ج نیست. (۳) هیچ ب ج نیست. (۴) بعضی ج ب نیست.
- ۶۲- در کدام یک از قیاس های زیر، شرایط حد وسط رعایت شده است؟

- (۱) بعضی از حیوان ها اسب هستند، هر اسبی علفخوار است؛ پس بعضی حیوان ها علفخوار هستند.
(۲) شیر حیوان درنده است، شیر غذای مقوی است؛ پس حیوان درنده، غذای مقوی است.
(۳) هر انسانی از خاک است، خاک از جمادات است؛ پس انسان از جمادات است.
(۴) علی در قطار است، قطار حرکت می کند؛ پس علی حرکت می کند.

۶۳- در کدام قیاس زیر، فقط یکی از شرایط اعتبار قیاس رعایت نشده است؟

- (۱) بعضی الف ب نیست؛ هر ب ج است پس هر الف ج است.
(۲) بعضی الف ب نیست؛ بعضی ج ب نیست پس بعضی الف ج نیست.
(۳) هیچ الف ب نیست؛ بعضی ج ب است پس بعضی الف ج نیست.
(۴) هیچ الف ب نیست؛ هر ج ب است پس هیچ الف ج نیست.
- ۶۴- در شکل های اول و دوم قیاس اقترانی، اگر حد وسط در هر دو مقدمه علامت مثبت داشته باشد، آن قیاس

- (۱) دارای نتیجه جزئی خواهد بود. (۲) دارای نتیجه کلی خواهد بود.
(۳) حتماً نامعتبر خواهد بود. (۴) حتماً معتبر خواهد بود.

۶۵- جایگاه مقدم و تالی در کدام گزینه متفاوت با بقیه قرار گرفته است؟

- (۱) چو روی دولت نبینی جهان ندیدن به
(۲) آنگاه در کنکور موفق می شوم که خوب درس خوانده باشم.
(۳) زمین گردش وضعی داشته باشد، شبانه روز به وجود می آید.
(۴) درس معلم آر بود زمزمه محبتی، جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را.

۶۶- از قضیه «این موجود یا انسان است یا غیر حیوان»، درستی کدام قضیه را می توان فهمید؟

- (۱) هیچ غیر انسانی حیوان نیست. (۲) بعضی انسان ها غیر حیوان هستند.
(۳) بعضی غیر حیوان ها انسان هستند. (۴) بعضی انسان ها غیر حیوان نیستند.

۶۷- کدام قضیه مانع الجمع است؟

- (۱) جسم یا رسانا است یا غیر فلز
(۲) ماه یا به دور خورشید می گردد یا به دور زمین
(۳) قضیه یا حملی است یا منفصل حقیقی
(۴) هر موجودی، یا جاندار است یا دارای احساس نیست.

۶۸- برهان «امتناع تسلسل نامتناهی علل» فارابی مبتنی است بر

- (۱) مشروط بودن وجود علت بر معلول
- (۲) قیاس استثنایی منفصله مانع الرفع
- (۳) قاعده رفع تالی
- (۴) رعایت قانون نتیجه گیری قیاس اقترانی

۶۹- کدام گزینه، عبارت زیر را به درستی کامل می‌کند؟

«اگر قضیه «الف یا ب است یا ج»، مقدمه اول یک قیاس استثنایی انفصالی حقیقی باشد، هرگاه مقدمه دوم آن»

- (۱) «غیر الف» باشد، «غیر ج» نتیجه معتبر آن است.
- (۲) «ج» باشد، «غیر الف» نتیجه معتبر آن است.
- (۳) «غیر ب» باشد، «ج» نتیجه معتبر آن است.
- (۴) «الف» باشد، نتیجه معتبری نخواهد داشت.

۷۰- کدام عبارت درباره قیاس استثنایی انفصالی درست است؟

- (۱) تمام حالات و انواع آن معتبر هستند.
- (۲) اجزای نتیجه آن در مقدمات پراکنده هستند.
- (۳) نوع شرطی منفصل مانع الجمع آن، در صنایع الکترونیک به کار برده می‌شود.
- (۴) در صورتی که مقدمات را بپذیریم، ناچاریم نتیجه را بپذیریم.

۷۱- کدام عبارت درباره قیاس، درست است؟

- (۱) از بین شانزده حالت قیاس استثنایی تنها ده حالت معتبر وجود دارد.
- (۲) براساس موقعیت حد وسط می‌توان قیاس را به دو قسم اقترانی و استثنایی تقسیم کرد.
- (۳) اساس تعیین اعتبار قیاس، این است که موضوع یا محمول یکی قرین موضوع یا محمول دیگری باشد.
- (۴) در قیاس استثنایی همچون اقترانی، نتیجه یا نقیض آن در یکی از دو مقدمه آمده است.

۷۲- در کدام مورد، مغالطه توسل به احساسات وجود دارد؟

- (۱) افراد واجد فکر متعالی، نظر من را تایید می‌کنند.
- (۲) صرفاً افراد کهنه پرست، منطق ارسطویی را مطالعه می‌کنند.
- (۳) باید به موقع سر کلاس حاضر شوید؛ من نمی‌توانم کل زنگ منتظر ورود شما بمانم.
- (۴) محاکمه این فرد در دادگاه، باعث جدایی همسرش از او و آوارگی فرزندش می‌شود.

۷۳- کدام مورد درباره «جدل» صحیح نیست؟

- (۱) غلبه بر دیگران در بحث، یکی از مصادیق آن است.
- (۲) سقراط در مباحثه با سوفیست‌ها از آن استفاده می‌کرد.
- (۳) استفاده از زبان بدن جهت تاثیر کلامی بهتر، از مصادیق آن است.
- (۴) هدف آن شکست دادن طرف مقابل و به بن بست کشاندن آن است.

۷۴- حیطه کدام مغالطه، متفاوت با بقیه است؟

- (۱) منتقدان به پنجمین و آخرین قسمت این سریال امتیاز پایینی دادند.
- (۲) محمد همچون سعید دانش آموز درس خوانی نیست.
- (۳) من از شما نمی‌خواهم عقیده خود را تغییر دهید؛ اما انتظار می‌رود با عقل و درایتی که در شما سراغ دارم، ضرورت این کار را تشخیص دهید.
- (۴) اگر کسی تماس گرفت بگو برادرم اینجا نیست؛ من هم به اتاق می‌روم.

۷۵- به کاربردن استدلال‌های نامعتبر، منجر به شکل‌گیری چه نوع مغالطه‌ای می‌شود؟

- (۱) صوری (۲) غیرصوری (۳) مادی (۴) عرضی

فلسفه یازدهم

۷۶- کدام عبارت در مورد دانش فلسفه درست است؟

- (۱) از آنجا که فلسفه به کل هستی می‌پردازد لذا موضوع خاصی ندارد.
- (۲) با توجه به تفکر خدادادی نهادینه شده در وجود ما، انسان می‌تواند امور روزانه خود را سامان دهد؛ لذا بدون تفکر، کاری از انسان ساخته نیست.
- (۳) قرار گرفتن در مسیر تفکر درست فلسفی در گام اول مستلزم ارائه استدلال صحیح است.
- (۴) روش فلسفی متفاوت با تمام علوم است و همین امر زمینه تفاوت تفکر فلسفی با دانش فلسفه را فراهم می‌کند.

۷۷- در کدام گزینه مراحل اندیشه ورزی و تفکر فلسفی به درستی رعایت شده است؟

- (۱) چرا باید روزه بگیریم؟ - حکم الهی واجب الرعاية است - روزه گرفتن امر الهی است - روزه در حیطه واجبات دینی است.
- (۲) موضوع فلسفه، وجود و هستی است - دانش فلسفه چه تفاوتی با سایر دانش‌ها دارد؟ - روش فلسفه، صرفاً عقلی و استدلالی است - فلسفه دارای موضوع ویژه‌ای است که یک وجود خاص می‌باشد.
- (۳) مادر به فرزندش محبت می‌کند - آیا برقراری روابط محبت آمیز صرفاً میان انسان‌ها است؟ - همه حیوانات به فرزندان خود محبت می‌کنند - جهان براساس عشق و محبت آفریده شده است.
- (۴) قبولی در کنکور پزشکی دشوار است - اصلاً چرا باید کنکور پزشکی داد؟ - با پزشکی می‌توان به اهداف دنیوی و اخروی دست یافت - مشکلات زندگی زیاد هستند.

۷۸- کدام عبارت را می‌توان دلیل اصلی استفاده سوفیست‌ها از مغالطات دانست؟

- (۱) هیچ‌کدام از نظریات پیشینیان خود را نمی‌پذیرفتند.
- (۲) هدف اصلی آنان پیروزی بر رقیب بود، نه بیان واقع.
- (۳) استدلال‌هایی به ظاهر درست را به کار می‌بردند.
- (۴) خود را دانشمند می‌دانستند، تا دوستدار دانش.

۷۹- کدام پاسخ به پرسش زیر، به روش فلسفی داده شده است؟

«منشأ درک و پذیرش اصل علیت چیست؟»

- (۱) هر جا توالی میان دو یا چند پدیده را دیدیم، مصداقی از علیت بوده است؛ پس هر توالی، علیت است.
- (۲) عقل ادراکی مستقل از تجربه ندارد؛ پس درک قاعده علیت، مستقل از تجربه، امکان پذیر نیست.
- (۳) انسان با تهذیب نفس و سیر و سلوک در می‌یابد که بر تمام حوادث عالم، علیتی حاکم است.
- (۴) از دقت در قرآن و روایات در می‌یابیم تمام حوادث دارای عللی هستند که سرانجام به خدا منتهی می‌شوند.

۸۰- کدام عبارت درست است؟

- (۱) گاهی خود فیلسوفان نیز برای آموزش، از مغالطات استفاده می‌کنند.
- (۲) ممکن است کسی که دلایل باورهای خود را می‌داند، فیلسوف نباشد.
- (۳) کسی که اهل تفکر فلسفی است تمام باورهایی را که قبلاً داشته، کنار گذاشته و باورهای جدیدی برای خود می‌سازد.
- (۴) هر کسی که اهل تفکر فلسفی باشد و در مسائل بنیادین زندگی اندیشه کند، زندگی او معنای درستی پیدا می‌کند.

۸۱- در کدام مورد، مراحل رسیدن به درک و دریافت فلسفی از یک موضوع، به درستی بیان شده است؟

- (۱) اختلاف نظر متفکران در مورد سعادت ← سعادت چیست؟ ← اعتدال میان قوا، عامل سعادت انسان است. ← سعادت انسان مشروط به وجود عالم آخرت است.
- (۲) آیا علیت در سراسر هستی جاری است؟ ← این عالم یک پدیده است، پس حتماً علتی دارد. ← پیرشدن انسان چه علتی دارد؟ ← چون انسان دارای بدن مادی است، پیر می‌شود.
- (۳) از دنیا رفتن یکی از اطرافیان ← آیا مرگ، نابودی و نیستی است؟ ← انسان دارای نفس غیرمادی است. ← مرگ انتقال از عالم ماده به عالمی دیگر است.
- (۴) مشاهده یک دختر بچه دستفروش ← آیا عدالت در مورد این دختر بچه تحقق یافته است؟ ← چگونه می‌توان فقر را در جامعه کاهش داد؟ ← عدالت، قرار گرفتن هر کس در جای مناسب خویش است.

۸۲- کدام عبارت درست است؟

- (۱) تا هنگامی که انسان، فقط به دنبال پاسخ سوال‌های معمولی و روزانه است، در مرحله اول تفکر قرار دارد.
- (۲) تمام تلاش فیلسوفان، بررسی دقیق وجود مطلق و شناساندن آن به مردم است.
- (۳) فلسفه علاوه بر امور محسوس به موارد نامحسوس مانند روح و ستارگان و فرشتگان نیز می‌پردازد.
- (۴) کسی که به تفکر فلسفی رسید، دیگر نیازی به تفکر در حوزه فطرت اول ندارد.

۸۳- بحث در موضوعات زیر، به ترتیب با کدام حوزه ارتباط بیشتری دارد؟

«جامعه دارای وجودی مستقل از افراد جامعه است - ماهیت و حقیقت حکومت، قدرت است - باید از دروغ

و عهدشکنی دوری کرد - انسان علاوه بر جسم مادی، صاحب یک روح غیرمادی نیز هست»

- (۱) اصالت فرد و اصالت جامعه - فلسفه سیاست - فلسفه اخلاق - فلسفه روان‌شناسی
- (۲) فلسفه جامعه‌شناسی - فلسفه سیاست - علم اخلاق - انسان‌شناسی فلسفی
- (۳) فلسفه سیاست - فلسفه جامعه‌شناسی - فلسفه اخلاق - فلسفه دین
- (۴) فلسفه جامعه‌شناسی - فلسفه اخلاق - علم اخلاق - فلسفه حقوق

۸۴- کدام عبارت درباره ارتباط فلسفه و شاخه‌های علوم، درست است؟

- (۱) این مسئله که دانشمندان انسان را صاحب روح غیرمادی بدانند یا نه، در نظریات آن‌ها پیرامون مباحث مابعدالطبیعه تأثیرگذار است.
- (۲) دانشمندان علوم انسانی عقاید و نظریاتی درباره ماهیت و حقیقت انسان دارند که در رشته‌های مختلف علوم انسانی، بررسی می‌شوند.
- (۳) تمامی علوم بر مبانی و اصولی علمی و تجربی استوار هستند که اثبات آن‌ها در هیچ‌یک از رشته‌های علوم تجربی ممکن نیست.
- (۴) نظریات دانشمندان در رشته‌های مختلف علوم انسانی مبتنی بر دیدگاه آن‌ها نسبت به حقیقت و ماهیت انسان است.

۸۵- کدام عبارت درست است؟

- (۱) با تأمل فیلسوفانه در شاخه‌هایی از فلسفه مانند فلسفه تاریخ و فلسفه حقوق، دانش‌هایی چون تاریخ و حقوق شکل می‌گیرد.
- (۲) فلسفه‌های مضاف در عین این که مسائل مشترک میان علوم و فلسفه را مطرح می‌کنند، بنیان‌های عقلی علوم نیز هستند.
- (۳) امکان شناخت وجود، فرع بر معرفت آن است و به همین دلیل یکی از مسائل فلسفه، امکان یا عدم امکان شناخت است.
- (۴) آن دسته از دانش‌هایی که قوانین بنیادی علوم را به وجود شناسی منتقل می‌سازند، شاخه‌های فلسفه هستند.

۸۶- در کدام عبارت، اساس و شالوده بودن فلسفه‌های مضاف برای نظریات علمی نمایان است؟

- (۱) عوالم مجرد از ماده نیز وجود دارند و با توجه به این که نفس انسان تابع قوانین فیزیکی نیست، به عالم مجرد از ماده تعلق دارد.
- (۲) برای پیشرفت جامعه، مالکیت خصوصی باید محترم شمرده شود؛ زیرا جامعه مجموعه افرادی است که کنارهم زندگی می‌کنند.
- (۳) براساس شواهد تاریخی، انسان توانایی تأثیرگذاری بر جامعه و تغییر آن را دارد؛ بنابراین دارای قدرت اختیار و تصمیم‌گیری است.
- (۴) با توجه به گستردگی ابعاد و ژرفای حقیقت انسان، با تأمل در نفس می‌توان برخی از قوانین بنیادی هستی را درک کرد.

۸۷- با توجه به تمثیل غار افلاطون، کدام عبارت درست است؟

- (۱) زندانیان درون غار، از واقعیت همه موجودات به جز خودشان بی‌خبرند.
- (۲) زندانیان تا وقتی که در غار اسیرند، توان درک نشانه‌های واقعیت بیرونی را ندارند.
- (۳) شخصی که زندانی را یاری می‌کند تا از غار خارج شود و به تدریج به روشنی خو کند، نماد عقل است.
- (۴) اگر یکی از زندانیان به طور اتفاقی از بند رها شود، دیگر حاضر به بازگشت به جایگاه قبلی خود نیست.

۸۸- کدام یک، هدف اصلی طرح تمثیل غار را بیان می‌کند؟

- (۱) توصیف چگونگی اسارت انسان در بند عادت‌ها
- (۲) نشان دادن نقش عقل در رهایی از جهل
- (۳) بیان تدریجی بودن سیر عقلانی به سوی حقیقت
- (۴) نشان دادن نقش تعصبات در دوری از حقیقت

۸۹- کدام عبارت درباره فواید تفکر فلسفی درست است؟

- (۱) دوری از مغالطه‌ها هم باعث فهم درست عقاید و هم بیان و انتقال آن‌ها می‌شود.
- (۲) بیان تمثیل غار به وسیله افلاطون، نشان‌دهنده استقلال در اندیشه و همچنین کاستن از مغالطات بود.
- (۳) استقلال در اندیشه باعث می‌شود تا مردم باوری را که مبنای یک مغالطه است، نپذیرند.
- (۴) دوری از عقاید و خرافاتی که به مرور زمان از نسلی به نسلی دیگر منتقل شده مستلزم استقلال در تفکر است.

۹۰- علت پارمنیدس برای نفی اعتبار حس چه بود؟

- (۱) عدم وجود حرکت در جهان هستی
- (۲) ناتوانی حواس از دستیابی به لایه باطنی جهان
- (۳) ناتوانی حس انسان از ادراک حرکت
- (۴) نسبی بودن شناخت حسی

۹۱- کدام مورد، عبارت زیر را به نحو مناسب تکمیل می‌کند؟

«برخلاف فیلسوفان ایونی، مورد توجه سقراط ، او به مسائل مربوط به توجه داشت و

همین مطلب، وجه او با سوفسطائیان بود.»

- (۱) هستی و نیستی - نبود - انسان - اشتراک
 - (۲) حقیقت انسان - بود - سعادت - تفاوت
 - (۳) تغییرات طبیعت - نبود - فضیلت و رذیلت - اشتراک
 - (۴) مسئله حقیقت و خطا - بود - اخلاق و سیاست - تفاوت
- ۹۲- «تأکید بر نقش عقل در درک حرکت و سکون» و «توجه به حرکت، به عنوان جمع امور ناسازگار»، به ترتیب، به کدام فیلسوف مربوط می‌شود؟

- (۱) پارمنیدس - هراکلیتوس
- (۲) هراکلیتوس - پارمنیدس
- (۳) پارمنیدس - پارمنیدس
- (۴) هراکلیتوس - هراکلیتوس

۹۳- کدام مورد، عبارت را به نحو مناسب‌تری تکمیل می‌کند؟

«گفت و گوهای سوفسطائیان، جهت بحث‌های فلسفی را برگرداند؛ سقراط برخلاف که در پی

تحلیل بودند، به توجه داشت.»

- (۱) به سوی اقسام مغالطه‌ها - فیلسوفان اولیه - حرکت و سکون - مسائل اساسی جامعه
- (۲) از مسائل هستی‌شناسی - فیلسوفان ایونی - تغییرات هستی - انسان و مسائلش
- (۳) از دگرگونی‌های طبیعی - سوفسطائیان - مسئله شناخت - خیر و شر اخلاقی
- (۴) به سوی انسان و مسائلش - آنان - ادراک هستی - عقل و شناخت عقلانی

۹۴- کدام مورد درباره نخستین فیلسوفان یونان درست نیست؟

- (۱) واضح واژه «کیهان» برای نخستین بار در جهان، معتقد بود که اعداد و اصول اعداد، همان عناصر اولی همه موجودات هستند.
- (۲) نخستین فیلسوفی که به «شدن» توجه دقیق کرد معتقد بود که همه چیز در سیلان و حرکت است.
- (۳) هرچند از برخی از آنان، نوشته‌ای باقی نمانده است اما به مسائل بنیادین هستی توجه داشتند.
- (۴) نظرات گوناگون و متضاد آنان باعث ظهور سوفسطائیان شد که نظر دانشمندان را «بیهوده» می‌دانستند.

۹۵- کدام گزینه را می‌توان نتیجه افکار و تعالیم سوفسطائیان دانست؟

- (۱) دوری از حقیقت و فضیلت
- (۲) بی اعتباری حس و تجربه
- (۳) آموزش علوم و سخنوری
- (۴) تنظیم قواعد تفکر

۹۶- کدام مورد درباره سقراط درست نیست؟

- (۱) با مردم، مسائل اساسی خداشناسی، اخلاق، سیاست و اجتماع را در میان می‌گذاشت.
- (۲) مرگ را انتقال به جهانی نظیر جهان مادی می‌دانست.
- (۳) سخنان به ظاهر ساده و گاه خنده آورش، بسیار عمیق بود.
- (۴) جامعه آتن در زمان سقراط، متأثر از اندیشه سوفیست‌ها بود.

۹۷- کدام مورد درباره سوفسطائیان درست نیست؟

- (۱) معتقد بودند که جهان را نمی‌توان شناخت و علوم و دانش تطابقی با واقعیت ندارد.
- (۲) با کمک اقسام مغالطه و جدل و سخنوری به نشر واقعیت پرداختند.
- (۳) برخی از آنان بر مبنای انکار واقعیت به انکار امکان شناخت پرداختند.
- (۴) تحت تأثیر آنها، جامعه آتن از حقیقت و فضیلت فاصله گرفت.

۹۸- نتیجه نهایی تلاش سقراط برای کشف راز سخن سروش دلفی چه بود؟

- (۱) گریز از مرگ دشوار نیست اما گریز از بدی دشوار است.
- (۲) کسی که علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول داشته باشد، نمی‌تواند خدا را انکار کند.
- (۳) نباید جسم و مال و ثروت را بر کمال نفس ترجیح داد.
- (۴) کسی که از نادانی خود خبر دارد، دانا است.

۹۹- «رشد بیشتر» و «استقلال» شاخه معرفت شناسی، به ترتیب تحت تأثیر کدام عوامل رخ داده است؟

- (۱) ظهور دیدگاه‌های گوناگون - طرح پرسش‌های جدی و جدید
- (۲) توجه خاص کانت - پرداختن فیلسوفان بیشتری به آن
- (۳) طرح پرسش‌های جدی و جدید - توجه خاص کانت
- (۴) توجه ویژه کانت - طرح پرسش‌های جدی و جدید

۱۰۰- کدام عبارت بدیهی بودن امکان شناخت را به درستی تبیین می‌کند؟

- (۱) افزایش تدریجی شناخت
- (۲) گستردگی شناخت و فهم ما از جهان
- (۳) خطاپذیری شناخت و معرفت
- (۴) کاربرد معرفت در زندگی عادی و روزمره

۱۰۱- با توجه به مباحث معرفت‌شناسی، کدام گزینه، نادرست است؟

- (۱) با توجه به روشن بودن معنا و مفهوم شناخت، می‌توان گفت که درباره آن هیچ ابهامی نمی‌تواند وجود داشته باشد.
- (۲) اگرچه امکان معرفت یک امر بدیهی و روشن است اما گاهی همین امر بدیهی، در گذشته و حال، انکار شده است.
- (۳) گاهی ممکن است در مورد یک موضوع واحد، دو نظر وجود داشته باشد و هر دوی آن‌ها غلط و نادرست باشد.
- (۴) شناخت ما از جهان و خود، بسیار محدود است و حقایق فراوانی وجود دارند که آن‌ها را نمی‌دانیم و نمی‌شناسیم.

۱۰۲- این موضوع که ما متوجه خطای خود می‌شویم؛ به کدام پرسش پاسخ می‌دهد؟

- (۱) حدود و قلمرو شناخت‌های ما چقدر است؟
- (۲) چگونه می‌توانیم خطا را از حقیقت تشخیص دهیم؟
- (۳) شناخت‌های ما تا چه حد با واقعیت مطابقت دارند؟
- (۴) آیا ما می‌توانیم نسبت به موجودات جهان آگاهی پیدا کنیم؟

۱۰۳- کدام عبارت در مورد امکان شناخت و مسائل مربوط به آن، قابل پذیرش است؟

- (۱) رفتار انسان با موجودات جهان، نشان می‌دهد که قدرت شناخت خود را باور دارد.
- (۲) شناخت، امری امکان‌پذیر است؛ پس چیزی وجود ندارد که بشر قادر به شناخت آن نباشد.
- (۳) این باور که انسان نمی‌تواند به همه خصوصیات موجودات دست یابد، نسبت به شناخت را در پی دارد.
- (۴) تفاوت میان شناخت افراد از یک موضوع، نشان می‌دهد که شناخت هر کس، نسبت به خودش معتبر است.

۱۰۴- کدام مورد، عبارت روبه‌رو را به درستی کامل نمی‌کند؟ «هرگاه شخصی»

- (۱) بداند که خطا می‌کند، پس توانایی رسیدن به حقیقت را دارد.
- (۲) اصل دانستن را انکار کند، باید حقیقت و خطا نزد او یکسان باشد.
- (۳) در اصل دانستن شک کند، هیچ دانشی در ذهن او شکل نمی‌گیرد.
- (۴) تصور کند که نمی‌تواند شناخت‌هایش را منتقل کند، نباید سخن بگوید.

۱۰۵- این گزاره که «حس می‌تواند تفاوت‌ها و تمایزها را بشناسد» مربوط به کدام حوزه معرفت‌شناسی است

و شک در چه زمینه‌ای امکان‌پذیر است؟

- (۱) قلمرو شناخت - امکان رسیدن به شناخت
- (۲) قلمرو شناخت - توانایی شناخت برخی امور
- (۳) ارزش شناخت - توانایی شناخت برخی امور
- (۴) ارزش شناخت - امکان رسیدن به شناخت

۱۰۶- کدام عبارت بیانگر کارکرد ویژه عقل، نسبت به سایر قوا و ابزارهای شناخت است؟

- (۱) شناخت حقایق غیرمحسوس و ماوراء طبیعی
- (۲) تشخیص موارد استفاده از اشیاء گوناگون
- (۳) کسب مقدمات استدلال‌های قیاسی
- (۴) بررسی و تحلیل یافته‌های حسی

۱۰۷- کدام مورد در تحصیل «معرفت شهودی» تأثیری ندارد؟

- (۱) تقویت ایمان
- (۲) تعالی بخشیدن به نفس
- (۳) عبادت خالصانه
- (۴) عمل صالح

۱۰۸- موارد زیر به ترتیب مربوط به کدامیک از ابزارهای شناخت هستند؟

«به دور از استدلال عقلی حاصل می‌شود - امکان گمراهی در آن وجود ندارد - بر پایه آن زندگی می‌کنیم -

درک حقایق مربوط به امور محسوس و نامحسوس»

(۱) قلب - وحی - عقل - حس (۲) وحی - قلب - حس - عقل

(۳) قلب - وحی - حس - عقل (۴) حس - وحی - حس - قلب

۱۰۹- با توجه به دیدگاه فیلسوفان دوره جدید اروپا در زمینه نظریه شناخت، کدام گزینه درست است؟

(۱) دکارت بر آن است که قوه ادراکی انسان مفاهیمی مانند علیت را نزد خود دارد و آن را از طریق حس و تجربه به دست نمی‌آورد.

(۲) طبق دیدگاه اثبات گرایان، تجربه درباره نفی یا اثبات مفاهیمی بی معنا از قبیل خدا، اختیار، نفس و روح، نمی‌تواند نظر دهد.

(۳) از جمله نقدهایی که بر تجربه گرایی مطلق وجود دارد این است که همه نتایج تجربی احتمالی هستند و نمی‌توان قطعیت آن‌ها را پذیرفت.

(۴) پراگماتیست‌ها معتقدند اگرچه تجربه قادر به درک واقعیت است ولی ما نیازمند باورهای هستیم که در عمل به کار ما بیاید پس نباید به دنبال کشف واقعیت باشیم.

۱۱۰- کدام عبارت به ترتیب، بیانگر شباهت و تفاوت نظر دکارت با کانت در حوزه معرفت شناسی است؟

(۱) حواس و عقل، هریک، یافته‌های خاص خود را دارند. - پایه‌های عقلانی علوم تجربی از طریق تجربه قابل دستیابی نیستند.

(۲) معرفت به وجود نفس مجرد، از تجربه حاصل نشده است. - با استدلال عقلی می‌توان وجود خدا را اثبات کرد.

(۳) مفهوم علیت در قوه ادراکی انسان وجود دارد. - روش عقلی، تنها یکی از روش‌های شناخت پدیده‌ها است.

(۴) درک مصادیق علیت، توسط حواس صورت می‌گیرد. - درک وجود خدا، نیازی به حس و تجربه ندارد.

۱۱۱- کدام عبارت با نظرات کانت در مورد شناخت سازگار است؟

(۱) اگر داده‌های حسی، یعنی آنچه که از طریق حس به ما می‌رسد وجود نداشت، ما قادر به شناخت هیچ واقعیتی نبودیم.

(۲) مفهوم علیت، مفهومی است که ابتدا قوه ادراکی انسان می‌فهمد و سپس آن را به پدیده‌های خارجی تعمیم می‌دهد.

(۳) درک مصادیق علیت به واسطه حواس صورت می‌گیرد اما مفهوم علیت را دستگاه ادراکی انسان می‌سازد.

(۴) ما برای تصور مفاهیمی مانند مکان و زمان، ابتدا باید اشیاء دارای مکان یا زمانمند را درک کنیم.

۱۱۲- با توجه به آرا و نظرات فلاسفه دوره جدید اروپا، کدامیک درست است؟

(۱) کمترین تأثیر نسبی گرایی در معرفت شناسی در حوزه‌هایی مثل انسان شناسی، اخلاق و دین بوده است.

(۲) از نظر کانت، ادراک انسان از واقعیت موجود در جهان، بی واسطه نیست.

(۳) اثبات گرایان معتقد بودند که مهم‌ترین راه شناخت و معرفت، تجربه است.

(۴) در درون جریان تجربه گرایان اروپا، نمی‌توان جریانی را یافت که به شهود معنوی و تجربه دینی معتقد باشد.

۱۱۳- کدام مورد از اندیشه‌های نسبی گرایی نیست؟

(۱) شناخت هرکس برای خودش معتبر است و لزوماً برای فردی دیگر معتبر نیست.

(۲) اشکالات نظری متعدد که به پوزیتیویسم وارد شد زمینه ظهور نسبی گرایی را فراهم کرد.

(۳) هر فرد متناسب با ویژگی‌های خود، درباره امور به شناختی می‌رسد که با شناخت افراد دیگر متفاوت است.

(۴) به طور کلی این امکان برای انسان‌ها وجود دارد که به شناخت‌های یکسانی برسند، گرچه ممکن است در برخی موارد شناخت یکسانی نداشته باشند.

۱۱۴- دکارت و کانت درباره درستی کدام عبارت، اختلاف نظر دارند؟

- ۱) از طریق استدلال عقلی محض می‌توان وجود نفس را اثبات کرد.
- ۲) حقیقت انسان را همان روح و نفس او تشکیل می‌دهد.
- ۳) نفس و روح از قوانین فیزیکی آزاد است.
- ۴) اختیار و اراده ویژگی نفس است، نه بدن.

۱۱۵- کدام دیدگاه فلسفی درباره انسان، مبنای کاملاً متفاوتی با سایر دیدگاه‌ها دارد؟

- ۱) نفس با ارزش‌ترین دارایی انسان است و باید کوشید تا آن را به فضائل اخلاقی آراسته کرد.
- ۲) بدن، حقیقت «من» را تشکیل نمی‌دهد و کاملاً از روح مجزاست و روح از بدن استفاده می‌کند.
- ۳) علت توجه انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی را باید در زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی او جست.
- ۴) انسان یک موجود اخلاقی است و یک چنین ویژگی بدون وجود اختیار و اراده آزاد معنا ندارد.

۱۱۶- باتوجه به نظرات افلاطون در مورد انسان و حقیقت او، کدام عبارت پذیرفتنی است؟

- ۱) هر موجود زنده و دارای نفس، یک جزء نامرئی به نام عقل دارد.
- ۲) نفس انسان در هنگام تولد تحقق ندارد، بلکه به تدریج ایجاد شده و به فعلیت می‌رسد.
- ۳) درک این مطلب که «یک چیز نمی‌تواند هم باشد و هم نباشد» به نفس انسانی مربوط است.
- ۴) از میان موجودات، فقط انسان دارای حقیقت برتری است که محدودیت‌های ماده را ندارد.

۱۱۷- از دیدگاه ملاصدرا، کدام مورد از ویژگی‌های روح انسانی است؟

- ۱) ظرفیت و استعداد بی‌نهایت روح، انسان را به کمالات می‌رساند.
- ۲) موجودات نامی به حدی بالاتر از آن نمی‌توانند نائل شوند.
- ۳) حقیقتی مربوط به مشرق عالم است که از مشرق وجود دور افتاده و مشتاق بازگشت به آنجاست.
- ۴) از کنارهم قرار گرفتن روح و بدن، حقیقت انسان شکل می‌گیرد.

۱۱۸- کدام مورد تفاوت اعتقادات ملاصدرا و دکارت را بهتر بیان می‌کند؟

- ۱) روح جایگاه رفیعی در نظام خلقت دارد.
- ۲) نفس همان جنبه نورانی وجود است.
- ۳) روح و بدن وحدتی حقیقی دارند.
- ۴) روح نتیجه تکامل جسم است.

۱۱۹- از نظر سهروردی، به ترتیب رؤیت بهتر حقایق هستی و همچنین پیمودن مسیرکامل مستلزم چیست؟

- ۱) دوری از ظلمت و تاریکی - حرکت در مراتب انوار
- ۲) کسب شایستگی و لیاقت بیشتر - دریافت نورالهی
- ۳) ورود به مشرق انوار - استدلال و برهان عقلی
- ۴) کسب نورانیت بیشتر - کسب لیاقت معنوی

۱۲۰- کدام عبارت درباره نظر فلاسفه اسلامی درباره حقیقت انسان صحیح نیست؟

- ۱) ابن سینا معتقد است که وقتی بدن انسان دوره جنینی را گذارند روح به آن ضمیمه می‌شود.
- ۲) همه آنها معتقد بودند که نمی‌توان انسان را به یک موجود صرفاً زمینی و مادی تقلیل داد.
- ۳) ملاصدرا معتقد بود که ظرفیت انسان پایانی نداد و هر دو بُعد انسان می‌توانند به هر مرتبه کمالی برسند.
- ۴) برخی از آنها معتقد بودند که هویت انسان‌ها در ابتدای زندگی نامعلوم است.

۱۲۱- کدام یک از عبارت‌های زیر، نادرست است؟

- ۱) از نظر توماس هابز هر انسانی به میزانی می‌تواند آزاد باشد که دیگران نیز در برابر او به همان میزان آزاد باشند.
- ۲) از نظر فیلسوفان مسلمان اعتقاد به خدا عامل تقویت کننده برای عمل به فضیلت اخلاقی است.
- ۳) به نظر کانت قاعده‌ای می‌تواند قانون اخلاقی باشد که بتواند قانون کلی و عمومی بشود.
- ۴) فیلسوفان طبیعت‌گرا، ریشه‌های فعل اخلاقی را در روح و طبع انسان می‌دانند.

۱۲۲- درباره اعتقاد فلاسفه مسلمان در مورد معیار فعل اخلاقی، می‌توان گفت:

- ۱) برخلاف افلاطون و ارسطو، عقل را منبع شناخت فضیلت‌ها و ردیلت‌ها می‌دانند.
- ۲) عقل را از آن نظر که رفتار خوب و بد انسان را انجام می‌دهد، عقل عملی می‌نامند.
- ۳) عقل فضائی مانند شجاعت و عدل را کمالاتی می‌دانند که باعث رشد روح می‌شوند.
- ۴) اگرچه هر انسانی فضائل را دوست دارد اما لزوماً با کسب آن‌ها، احساس رضایت درونی نمی‌کند.

۱۲۳- مکتب‌های گوناگون اخلاقی، در تأیید یا رد کدام گزاره با هم اختلاف نظر پیدا می‌کنند؟

- ۱) لازمه بقا و سلامت اجتماع، رعایت اخلاق از سوی همه افراد است.
- ۲) عقل، قادر به تشخیص فعل شایسته و ناشایست و تعیین ملاک آن است.
- ۳) هر انسانی باید آن چه بر خود می‌پسندد، برای دیگران نیز بخواهد.
- ۴) انسان‌ها از دیرباز، تفاوتی میان فعل اخلاقی و فعل طبیعی قائل بوده‌اند.

۱۲۴- کدام عبارت با نظرات اخلاقی فیلسوفان مسلمان سازگار نیست؟

- ۱) منشأ‌گرایی به نیکی و گزیر از بدی، عقل نظری و عامل تشخیص و عمل به آن، عقل عملی است.
- ۲) داشتن ویژگی‌هایی مانند انصاف و صداقت و رفتار براساس آن‌ها، در جهت سلامت اجتماع و خیر افراد است.
- ۳) شرط تشخیص رفتار درست از نادرست و دستیابی به سعادت فردی و اجتماعی، سلامت و اعتدال عقل است.
- ۴) گرایش اخلاقی آدمی مانند دو کفه یک ترازو هستند و انگیزه‌ها، باعث سنگینی یکی نسبت به دیگری می‌شود.

۱۲۵- درباره کدام عبارت میان معتقدان به دیدگاه‌های مختلف اخلاقی، اختلاف نظر وجود دارد؟

- ۱) ویژگی‌هایی مانند عدالت و صداقت و رفتار براساس آن‌ها، برای سلامت اجتماع ضروری هستند.
- ۲) از آن‌جا که انسان زندگی اجتماعی دارد، ناگزیر است منفعت دیگران را نیز در رفتارهای خود در نظر بگیرد.
- ۳) تشخیص رفتار درست از نادرست و دستیابی به سعادت فردی و اجتماعی، از طریق عقل امکان‌پذیر می‌شود.
- ۴) هرگاه انسان خواهان آزادی در برابر دیگران باشد، باید به دیگران هم حق بدهد که در برابر او همان قدر آزاد باشند.

فلسفه دوازدهم

۱۲۶- کدام عبارت نادرست است؟

- (۱) وجود و ماهیت اختلاف مفهومی و اتحاد و مصداقی دارند.
- (۲) وقتی که شخصی با اشاره به چیزی می‌پرسد «آن چیست؟» در واقع وجود شی را پذیرفته و مفهوم وجود را عین ماهیت نمی‌داند.
- (۳) رابطه میان وجود و ماهیت یک شی در دنیای خارج می‌توان به رابطه میان مادر و مدرس بودن برای یک شخص تشبیه کرد.
- (۴) اولین قدم در شناخت بیشتر هستی و چیستی و نسبت میان آنها، باور به این قضیه است که به صورت مطلق تنها هستیم.

۱۲۷- بهره بردن از اشیاء مختلف جهت رفع نیازهای گوناگون، نشانه چیست؟

- (۱) تعیین نسبت میان دو مفهوم هستی و چیستی
 - (۲) آگاهی ما نسبت به واقعی بودن اشیاء پیرامونی
 - (۳) امکان شناخت و کسب علم نسبت به اشیاء مختلف
 - (۴) علم به ماهیت اشیاء علیرغم فقدان وجود آنها
- ۱۲۸- اگر مفهومی را در نظر بگیریم که در عالم خارج، مصداقی داشته باشد، کدام عبارت درباره آن دقیق‌تر است؟

- (۱) تساوی میان وجود و عدم برای آن، از ناحیه غیر، حاصل شده است.
- (۲) به واسطه علت تامه خود، به مرحله وجوب وجود رسیده است.
- (۳) رابطه آن با محمول وجود، ضروری است.
- (۴) ذاتاً واجب‌الوجود بوده است.

۱۲۹- اگر وجود جزء مفهوم ماهیت بود، آنگاه

- (۱) دو مفهوم از یک واقعیت قابل انتزاع نبود
- (۲) وجود و ماهیت عین هم بودند.
- (۳) هیچ ماهیتی با ماهیت دیگر تفاوتی نداشت
- (۴) همه ماهیات واجب‌الوجود بودند

۱۳۰- کدام عبارت درست نیست؟

- (۱) وجود و ماهیت فقط در بُعد ذهنی تفکیک پذیر هستند.
- (۲) هر واجب‌الوجودی ذاتاً ممکن‌الوجود بوده است.
- (۳) انسان نمی‌تواند ذاتاً واجب‌بالغیر باشد.
- (۴) اگر رابطه امکانی موجه را به سالبه تبدیل کنیم، باز هم امکانی خواهد ماند.

۱۳۱- کدام عبارت نادرست است؟

- (۱) حل وجود بر «واجب بی علت» امتناعی نیست.
- (۲) بین دو مفهوم «حمل ضروری» و «حمل بی نیاز از دلیل» نسبت عام و خاص مطلق وجود دارد.
- (۳) حاصل ترکیب ماهیت و وجود در جهان عینی، یک واقعیت یگانه است.
- (۴) اگر وجود عین هر ماهیتی بود، لازم می‌آمد که همه ماهیات یکی باشند.

۱۳۲- کدام عبارت درباره «واجب الوجود بالغیر» صدق نمی‌کند؟

- (۱) اگر علتش همیشگی باشد، همیشه هست.
- (۲) ذاتش نسبت به وجود و عدم تفاوتی نمی‌کند.
- (۳) اگر علتش باشد، نمی‌تواند نباشد.
- (۴) بودن و نبودنش مساوی است.

۱۳۳- در کدام مورد، نسبت میان موضوع و محمول در هر دو قضیه یکسان است؟

- (۱) آب مایعی بی رنگ است. - فعل کلمه‌ای است که انجام کاری را می‌رساند.
- (۲) چوب عایق است. - یکی از انواع ویروس‌ها، ویروس آنفلوانزا است.
- (۳) کره زمین دارای آب است. - هر جسمی دارای مکان است.
- (۴) اکسیژن، از انواع گازها است. - فلز نوعی ماده است.

۱۳۴- کدام عبارت درست است؟

- (۱) حمل اسب بر حیوان همانند حمل ممکن الوجود بالذات بر موجودات است.
- (۲) ماهیتی که ذاتاً می‌تواند باشد یا نباشد، هنوز از حالت امتناع وجودی خارج نشده تا بتواند موجود شود.
- (۳) موجودات جهان همگی ذاتشان به واسطه یک علت از حالت امکان عبور کرده است.
- (۴) اگر مفهومی را در نظر بگیریم و مصداق آن را در جهان بیابیم یعنی از حالت امکان خارج نشده است.

۱۳۵- کدام گزینه، مصداقی از رابطه علیت است؟

- (۱) شنیدن صدای رعد بعد از دیدن برق در آسمان
- (۲) آمدن روز با به پایان رسیدن شب
- (۳) منجمد شدن آب با دمای صفر
- (۴) خواندن نماز بعد از اذان

۱۳۶- با توجه به اصل علیت و فروع آن، کدام گزینه درست است؟

- (۱) نتیجه تجربی دانستن اصل سنخیت این است که نمی‌توان برای علت‌های خاص، معلول‌های خاص خود را قائل شد.
- (۲) باور به اینکه تحقق علت با تمام حقیقت خود، تحقق قطعی معلول را به دنبال دارد، بیانگر اصل علیت است.
- (۳) کوشش برای شناخت ویژگی‌های هر شیء و پی بردن به تفاوت آن با سایر اشیاء، نتیجه اعتقاد به اصل وجوب است.
- (۴) کسی که اصل سنخیت را انکار می‌کند نمی‌تواند در یک کار خاص وارد شود و برای آن برنامه‌ریزی کند.

۱۳۷- کدام تعریف برای «معلول» مناسب‌تر است؟

- (۱) چیزی که علت به او وجود می‌دهد.
- (۲) چیزی که در حالت تساوی میان وجود و عدم است.
- (۳) آن چه که به دیگری وابسته است.
- (۴) آن چه که از دیگری هستی می‌گیرد.

۱۳۸- با توجه به اصل علیت و فروع آن، کدام نتیجه قابل قبول است؟

- (۱) امکان ندارد دو پدیده مشابه، از دو علت متفاوت ناشی شده باشند.
- (۲) هرگاه دو پدیده، همواره همراه یکدیگر وجود پیدا کنند، حتماً یکی از آن‌ها علت و دیگری معلول است.
- (۳) هرگاه یک پدیده دارای آثار متفاوتی باشد، می‌توان از وجود یکی از آن آثار، وجود دیگری را احتمال داد.
- (۴) اگر از همکاری چند پدیده با یکدیگر، اثر خاصی پدید آید، آن اثر را می‌توان به تک تک پدیده‌ها نسبت داد.

۱۳۹- کدام مورد، عبارت را هماهنگ با نظر تجربه گرایان و به درستی کامل می‌کند؟

«انسان بارها مواردی مانند سوختن چوب پس از آتش گرفتن یا روشنی زمین پس از طلوع خورشید را مشاهده کرده و ...»

- (۱) تصور کرده است که میان این گونه پدیده‌های متوالی، رابطه‌ای تخلف ناپذیر وجود دارد.
- (۲) متوجه شده است که میان برخی پدیده‌ها، نوعی رابطه ضروری برقرار است که آن را علیت می‌نامیم.
- (۳) نتیجه گرفته است که کشف پدیده‌های متوالی، فقط از طریق تجربه و آزمایش امکان پذیر است.
- (۴) کشف کرده که اصل علیت، مصادیقی دارد مانند سوختن چوب در آتش یا روشنی زمین در اثر طلوع خورشید.

۱۴۰- کدام عبارت درباره دیدگاه فلاسفه در مورد علیت درست است؟

- (۱) ابن سینا برخلاف هیوم معتقد است که ما از طریق حس و تجربه فقط به دنبال هم آمدن برخی پدیده‌ها را می‌بینیم اما این به معنای علیت نیست.
- (۲) فلاسفه عقل گرای اروپا و همچنین فلاسفه مسلمان معتقدند که هر چند علیت از تجربه به دست نمی‌آید اما پایه و اساس هر تجربه‌ای است.
- (۳) وجه اشتراک دکارت با فلاسفه مسلمان این است که علیت یک قاعده فطری - عقلی است و از تجربه دست نمی‌آید.
- (۴) عموم تجربه‌گرایان از جمله هیوم معتقد بودند که یک رابطه ضروری میان دو حادثه مثلاً طلوع خورشید و روشن شدن زمین وجود دارد و انسان برهمین اساس رابطه علیت را درک می‌کند و بنا می‌نهد.

۱۴۱- در کدام عبارت، معنایی از «اتفاق» مورد نظر است که با اصل علیت و لوازم آن ناسازگار است؟

- (۱) برای رفتن به محل کار خود سوار تاکسی شده‌اید؛ ناگهان تاکسی توقف می‌کند. وقتی از راننده می‌پرسید «ماشین خراب است؟» می‌گوید: خیر؛ مشکلی ندارد، ولی حرکت نمی‌کند.
- (۲) در کنار خیابان منتظر اتوبوس هستید که به مدرسه بروید، ولی تصادفاً همکلاسی خود را می‌بینید و به شما می‌گوید که مدرسه تعطیل است.
- (۳) برای خرید به فروشگاه می‌روید و پس از خرید، به شما می‌گویند که شانس آورده و برنده یک ماه خرید رایگان از این فروشگاه شده‌اید.
- (۴) با ماشین در خیابان در حال رانندگی هستید که با ماشینی دیگر برخورد می‌کنید و تصادفاً می‌بینید که راننده آن، همکارتان است.

۱۴۲- کدام عبارت درست است؟

- (۱) رخ دادن حوادث غیرمنتظره و پیش بینی نشده در طبیعت، نشان می‌دهد که قوانین طبیعی، قطعی نیست.
- (۲) هرگاه مجموعه‌ای از حوادث، طی یک فرایند به نتیجه خاصی منتهی شوند، این فرایند باید برنامه ریزی شده باشد.
- (۳) این نظر که موجودات زنده حاصل تکامل تدریجی موجودات ساده‌ترند، با اعتقاد به علیت سازگار نیست.
- (۴) این تصور که جهان در اثر انفجار یک ماده بسیار فشرده گسترش یافته، علت نخستین را نفی می‌کند.

۱۴۳- کدام عبرت درست است؟

- (۱) در نظریه دموکریتوس، اگر برخورد ذرات را تصادفی بدانیم، اتفاق به معنای نفی غایتمندی را پذیرفته‌ایم.
- (۲) این نظریه که جهان کنونی، در اثر انفجار یک ماده فشرده گسترش یافته، با وجود علت نخستین ناسازگار است.
- (۳) اگر بگوییم جهان طبیعت و موجودات آن، طی یک فرایند تدریجی به تکامل رسیده‌اند، نوعی اتفاق را پذیرفته‌ایم.
- (۴) کسی که باور داشته باشد با وجود ابر در آسمان و سرمای هوا، ممکن است باران نبارد، اصل وجوب علی را نفی کرده است.

۱۴۴- عبارات زیر به ترتیب با کدام معانی اتفاق مطابق هستند؟

«بارش باران در هوای آفتابی - نظریه تکامل زیستی درباره رشد و تکامل انسان - بی اعتباری علوم - نفی

علت نخستین»

- | | |
|---------------------------------|---------------------------------|
| (۱) اول - دوم و سوم - سوم | (۲) دوم - اول و دوم - سوم - سوم |
| (۳) اول - اول و دوم - سوم - دوم | (۴) دوم - دوم و سوم - سوم - دوم |

۱۴۵- در رابطه با تفکرات فیلسوفان دوره جدید اروپا درباره خدا، کدام عبارت نادرست است؟

- (۱) دکارت معتقد بود که چون تصور خدا نمی‌تواند از سوی موجودات متناهی باشد، پس باید خدای نامتناهی وجود داشته باشد که این تصور را به ما داده باشد.
- (۲) بحران معناداری زندگی در اروپا سبب شد تا فیلسوفان آن حوزه در عین اعتقاد راسخ به خدا، به جای ذکر دلایل اثبات خدا، به رابطه میان اعتقاد به خدا و معناداری زندگی توجه کنند.
- (۳) هیوم معتقد بود که برهان نظم در جهت اثبات خدا مطرح نشده بلکه بیان یکی از صفات خدا یعنی صفت حکمت است.
- (۴) در نقد دیدگاه کانت می‌توان گفت که تا وجود واقعی خدا را ثابت نکنیم، نمی‌توانیم توقع داشته باشیم که نیازهای ما را برطرف کند.

۱۴۶- کدام یک درباره برهان دکارت برای اثبات خدا نادرست است؟

- (۱) داشتن ادراکی از وجودی نامتناهی در انسان ناشی از خود آن موجود نامتناهی است.
- (۲) اساس استدلال دکارت برداشتن «تصور از خدا» مبتنی است.
- (۳) اثبات وجود خدا که نتیجه اصلی برهان دکارت است در مقدمات او فرض گرفته شده است.
- (۴) یکی از مقدمات مورد قبول دکارت این است که موجود متناهی قادر به ساخت تصویری از وجود نامتناهی نیست.

۱۴۷- کدام عبارت درباره استدلال دیوید هیوم درباره وجود خدا درست است؟

- (۱) او به علت اینکه تجربه گراست، برهان‌های عقلی محض را قبول ندارد اما برهان نظم که پای در تجربه دارد را تا حدی می‌پذیرد.
- (۲) می‌توان صفات خالقیت و مدیریت و ناظم بودن خدا را از طریق برهان نظم نشان داد اما این متفاوت با نامتناهی بودن خداوند است.
- (۳) ازلی و ابدی بودن خدا متفاوت با ناظم بودن خداوند است و آن را فقط می‌توان از طریق حس و تجربه نشان داد.
- (۴) دلایل دکارت و سایر عقل گرایان بر اثبات خدا مردودند زیرا عقل اساساً وجود خارجی ندارد و نمی‌تواند از حس و تجربه کمک بگیرد.

۱۴۸- کدام عبارت در مورد دیدگاه فلاسفه دوره جدید اروپا درباره خداوند درست نیست؟

- (۱) افرادی نظیر ویلیام جیمز و کرکگور که می‌دانستند معناداری به قبول خداوند گره خورده است چون به لحاظ تجربی دلیلی بر وجود خدا نداشتند، از تجربه‌های درونی و شهودهای عرفانی کمک گرفتند.
 - (۲) کاتینگهام و برگسون همچون دکارت و کانت معتقد به وجود خدا بودند و راز معناداری زندگی را در باورمندی به خدا جستجو می‌کردند.
 - (۳) افرادی مثل دکارت و کانت برخلاف افرادی مثل جیمز و کرکگور، در پی اثبات وجود یا ضرورت وجود خدا با دلایل عقلی خویش بودند.
 - (۴) در فضایی که بحران معناداری در اروپا ایجاد کرد افرادی همچون دکارت و کانت و جیمز و سایرین تلاش کردند تا با بهره‌گیری از همه ابزارهای عقلی و تجربی راهی برای معنابخشی به زندگی بیابند.
- ۱۴۹- بحث «خدا در فلسفه» مربوط به و است و موضوع «عقل در فلسفه» مربوط به و است.

- (۱) فلسفه دین - وجودشناسی - انسان‌شناسی فلسفی - معرفت‌شناسی
- (۲) فلسفه مضاف - هستی‌شناسی - قواعد منطق - شناخت‌شناسی
- (۳) خداشناسی - معرفت‌شناسی - فلسفه انسان - هستی‌شناسی
- (۴) فلسفه الهی - معرفت‌شناسی - معرفت بشری - هستی‌شناسی

۱۵۰- هیوم، دلایل دکارت و دیگر فیلسوفان عقل‌گرا را درباره خداوند نامعتبر می‌داند، زیرا معتقد است:

- (۱) مهم‌ترین برهان بر اثبات وجود خدا، برهان نظم است.
- (۲) هیچ نوع شناختی مستقل از حس و تجربه وجود ندارد.
- (۳) این براهین توانایی اثبات واجب‌الوجود بالذات را ندارند.
- (۴) برای اثبات خدا، فقط دلایل تجربی از اعتبار برخوردارند.

۱۵۱- کدام عبارت با برهان اخلاقی کانت سازگار است؟

- (۱) وجود نفس غیرمادی را فرض می‌گیرد.
- (۲) نشان می‌دهد که چرا خدا باید وجود داشته باشد.
- (۳) انسان را به رعایت اصول اخلاقی دعوت می‌کند.
- (۴) با استفاده از مقدمات عقلی، وجود خدا را اثبات می‌کند.

۱۵۲- کدام عبارت درباره براهین ارسطو در اثبات خدا صحیح است؟

- (۱) اینکه جهان هستی را یکپارچه ثابت و بدون تغییر بدانیم درواقع با اولین مقدمه برهان حرکت متناقض است.
- (۲) مطابق با برهان نظم، در جهان واقع، نظمی وجود ندارد، بلکه ما جهان را منظم می‌پنداریم.
- (۳) ارسطو در برهان «درجات کمال» از روش تطبیقی استفاده نکرد بلکه بحث غیرتناهی بودن خدا را مطرح کرد.
- (۴) او در برهان خود سعی کرد خداوند را در جایگاهی قرار دهد که هیچ موجود دیگری نمی‌تواند به آن جایگاه برسد.

۱۵۳- کدام مورد با اعتقادات کانت درباره خدا سازگار است؟

- (۱) با توسل به برهان نظم در جهان، معتقد بود که خدا یک امر ذهنی و فرضی است که ما به آن نیاز داریم.
- (۲) معتقد بود که با اثبات وجود خدا، زندگی انسان معنای حقیقی و متعالی پیدا می‌کند و از پوچی و بی‌هدفی خارج می‌شود.
- (۳) معتقد بود که اگر خدا را فرض نکنیم و قبول نداشته باشیم، عمل اخلاقی و مسئولیت پذیری اخلاقی ممکن نیست.
- (۴) معتقد بود که نیاز انسان به خداوند، فرع بر پذیرش خداوند است.

۱۵۴- کدام گزینه درباره برهان فارابی در اثبات خدا درست نیست؟

- (۱) وجود معلول پیشین روی ما، تائیدی است بر محال بودن تسلسل نامتناهی علت‌ها.
- (۲) هر واقعیتهای محتاج دلیل نیست بلکه «معلولیت» نشانه نیاز به دلیل است.
- (۳) نتیجه مفروض گرفتن سلسله نامتناهی از علت‌ها، این می‌شود که مجموعه علت و معلول‌ها بی‌شمار می‌شوند.
- (۴) اگر فرض بگیریم که سلسله علت‌ها نامتناهی است در نتیجه وجود هیچ معلولی ضرورت پیدا نمی‌کند.

۱۵۵- همه عبارت‌های زیر درباره برهان سینوی درست هستند به جز:

- (۱) ذات و ماهیت موجودات جهان پیرامون ما از حالت امکانی خارج شده‌اند.
- (۲) حتی با فرض تسلسل علل غیرمتناهی، نیاز ممکنات به واجب بالذات حفظ می‌شود.
- (۳) در یکی از مقدمات برهان بیان شده است که موجودات از نظر ذات به واجب بالذات و ممکن بالذات تقسیم می‌شوند.
- (۴) فلاسفه بعدی و نه خود ابن سینا این برهان را «وجوب و امکان» نامیده‌اند و خود وی آن را «صدیقین» نامیده است.

۱۵۶- کدام عبارت درست است؟

- (۱) همه فیلسوفان معتقدند که اثبات وجود خدا از طریق استدلال عقلی امکان پذیر است.
- (۲) به کسی فیلسوف اطلاق می‌شود که برای اعتقادات دینی خود استدلال طرح می‌کند.
- (۳) بحث فیلسوف درباره خدا تا زمانی که از استدلال عقلی استفاده کند، فلسفی است.
- (۴) فیلسوف کسی است که عقیده خاصی درباره خدا نداشته باشد.

۱۵۷- فرض سلسله‌ای نامتناهی از علت‌ها که هر علتی وابسته به علت قبل از خود باشد، کدام نتیجه نهایی

را به دنبال دارد؟

- (۱) وجود هیچ معلولی ضرورت پیدا نمی‌کند.
- (۲) تسلسل علل نامتناهی پیش می‌آید.
- (۳) مجموعه علت و معلول‌ها بی‌شمار می‌شوند.
- (۴) به علتی که معلول نباشد، نمی‌رسیم.

۱۵۸- کدام یک، از مقدمات برهان فارابی بر اثبات خدا شمرده نمی‌شود؟

- (۱) فقط در صورتی که علت وجود داشته باشد، معلول هم هست.
- (۲) ممکن است یک علت، در عین حال معلول هم باشد.
- (۳) هرچه که واقعیت دارد، باید دارای علتی باشد.
- (۴) بی‌شک، موجوداتی در جهان وجود دارند.

۱۵۹- کدام مورد، مطابق با عقاید ابن سینا درباره عشق است؟

- (۱) گرایش فطری به خوبی‌ها و گریزان بودن از بدی‌ها، مطابق با معیار چهارم از شاخصه‌های زندگی معنادار است.
- (۲) اگر فیلسوفی نتواند معیارهای زندگی معنادار را درک کند امکان اثبات خدا را هم نخواهد داشت.
- (۳) عشق و محبت به خیر و زیبایی متعلق به همه موجودات به ویژه انسان است.
- (۴) عبادت و اطاعت از خدا الزاماً از آثار عشق الهی نیست.

۱۶۰- کدام گزاره درباره مقایسه «معناداری حیات» در اندیشه فلاسفه مسلمان با فلاسفه اروپایی صحیح نیست؟

- (۱) در اندیشه فیلسوفان مسلمان، مهم‌ترین رکن در معناداری، غایتمندی جهان و انسان است و کسی می‌تواند از معناداری سخن بگوید که قبل از آن خدا را اثبات و قبول کرده باشد.
- (۲) در سیر تفکر غربی، ابتدا برهان خداشناسی سست شده و سپس به تدریج به سوی معناداری روی آورده‌اند.
- (۳) در اندیشه مسلمانان، بحث درباره معناداری و فواید اعتقاد به خدا هم زمان با بحث درباره اثبات وجود خدا در جریان بوده است.
- (۴) فیلسوفان دوره جدید اروپا، معناداری را تحت عنوان فواید و لوازم اعتقاد به خدا مطرح کرده‌اند و معناداری را فرع بر اثبات وجود خدا قرار داده‌اند.

۱۶۱- کدام عبارت برای یک فیلسوف تجربه گرا غیرقابل پذیرش است؟

- (۱) روشی که عقل با آن به شناخت واقعیت می‌رسد، روش تجربی است.
- (۲) عقل انسان، قادر به شناخت قانون‌های طبیعت است.
- (۳) انسان به کمک عقل، امور زندگی خود را تدبیر می‌کند.
- (۴) عقل، نقشی در بررسی و اثبات درستی گزاره‌ها ندارد.

۱۶۲- اشتقاق فیلسوفان به دو گروه عقل‌گرا و تجربه‌گرا، به کدام مسئله مربوط می‌شود؟

- (۱) اختلاف نظر در مورد برتری عقل بر حس
- (۲) نقش عقل در شناخت موجودات طبیعی
- (۳) قلمرو و محدودیت‌های قوه عقل
- (۴) کاربردهای مختلف مفهوم عقل

۱۶۳- کدام عامل نزد حکمای مسیحی قرون یازدهم تا سیزدهم میلادی، به حاکمیت عقل در برابر دین منجر گردید؟

- (۱) کشف توانایی عقل برای اثبات و تبیین مسائل دینی
- (۲) انشعاب فیلسوفان اروپایی به دو دسته عقل‌گرا و تجربه‌گرا
- (۳) روی آوردن فیلسوفان به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی
- (۴) ناسازگاری میان تبیین عقلانی مسائل دینی با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک

۱۶۴- کدام عبارت درباره اندیشه فلاسفه اروپایی درباره جایگاه عقل در فلسفه نادرست است؟

- (۱) از نظر دکارت، عقل صرفاً به صورت مستقل از تجربه می‌تواند به حقیقت برسد.
- (۲) از نظر اوگوست کنت، فیلسوفان به دنبال عقلی رفته‌اند که ناظر بر واقعیت نیست.
- (۳) از نظر بیکن، عقل محض و قیاسی کارساز نیست و عقل تجربی باعث پیشرفت می‌شود.
- (۴) از نظر ارسطو، انسان با عقل نظری جهان طبیعت و ماوراء الطبیعه را می‌شناسد و با عقل عملی امور زندگی را تنظیم می‌کند.

۱۶۵- کدام عبارت درباره جایگاه و معانی عقل درست نیست؟

(۱) هراکلیتوس معتقد بود که حقیقتی برتر وجود دارد که عقل انسان، مظهر اوست.

(۲) ارسطو برای انسان دوقوه عقل نظری و عملی قائل شد.

(۳) فیلسوفان عقل را برای دو مقصود به کار می‌برند که یکی از آنها (فرشتگان) به استدلال مفهومی نیاز ندارد.

(۴) رایج‌ترین معنای عقل در بین مردم همان تفکر و استدلال است.

۱۶۶- به ترتیب، هریک از موارد زیر با کدام مرحله از مراحل عقل مرتبط است؟

- هر مجموعه‌ای زیرمجموعه‌های خود را در بر می‌گیرد.

- حیوانات یا خزنده هستند یا بر روی دو پا راه می‌روند.

- دو قضیه متضاد قابل جمع در صدق نیستند.

(۱) عقل بالفعل - عقل بالفعل - عقل بالفعل - عقل بالفعل

(۳) عقل بالملکه - عقل بالفعل - عقل بالملکه - عقل بالملکه

۱۶۷- کدام گزینه درباره عقول، نادرست است؟

(۱) عقل فعال که عامل فیض‌رسانی به عقل انسان است، پرتوی از آن‌هاست.

(۲) تمام ادراک‌ها و دانش‌های انسان به مدد یکی از عقول است.

(۳) این موجودات روحانی و مجرد، در افعال خود به ابزار مادی نیاز ندارند.

(۴) فیلسوفان الهی، بسیاری از فرشتگان را همین عقول می‌دانند.

۱۶۸- کدام عبارت بانظر اکثر فیلسوفان مسلمان درباره عقل، هم خوانی دارد؟

(۱) برای رسیدن به معرفت فلسفی می‌توان از شهود و وحی نیز استفاده کرد.

(۲) استدلال‌های عقلی معیار اولیه قبول یا رد هر حکم و نظر علمی و فلسفی هستند.

(۳) بهترین ابزار برای درک و فهم آیات و روایات و معارف قرآن، کشف و شهود درونی است.

(۴) عقل فقط موجودی برتر و متعالی در جهان است که با حس و تجربه سر و کاری ندارد.

۱۶۹- کدام گزاره در مرحله عقل بالملکه و کدام‌یک در مرحله عقل بالفعل، قابل درک و دریافت است؟

(۱) هر مجموعه‌ای زیر مجموعه‌اش را در بر می‌گیرد. - برخی از گزاره‌ها با استدلال قابل اثبات‌اند.

(۲) همه فلزها بر اثر حرارت منبسط می‌شوند. - یک عبارت نمی‌تواند هم تصور باشد و هم تصدیق.

(۳) انسان دارای قوایی برای شناخت واقعیات است. - موجود مادی یا جاندار است یا بی جان.

(۴) هر مثلی سه زاویه دارد. - ذهن براساس قواعد خاصی عمل می‌کند.

۱۷۰- کدام عبارت بیانگر نظر فیلسوفان مسلمان است؟

(۱) استفاده از استدلال‌های عقلی صرف، ممکن است نتایجی مخالف وحی در پی داشته باشد؛ در این صورت باید با تلاش علمی، از تعارض‌های ظاهری آن دو کاست.

(۲) آنچه که معارف وحی را برای غیر پیامبران قابل فهم و استفاده می‌کند، عقل است و ایمان جاهلانه، گمراه کننده و خطرناک است.

(۳) استدلال عقلی، شهود و وحی، راه‌هایی برای نیل به حقیقت‌اند؛ بنابراین در همه موضوعات به نتایج یکسان می‌رسند.

(۴) عالی‌ترین مرتبه شهود که وحی است و به پیامبران الهی اختصاص دارد، فقط از طریق تهذیب نفس قابل دستیابی است.

۱۷۱- هریک از عبارتهای «الف» و «ب» به ترتیب، با کدام یک از عوامل زمینه‌ساز تفکر، در قرآن و روش پیشوایان دینی تناسب بیشتری دارد؟

الف: قرآن کریم می‌فرماید: «اگر در آسمان و زمین خدایی جز خدای یگانه بود، آن دو تباه می‌شدند.»
ب: پیامبر (ص) فرمودند: «حکمت، گم شده مؤمن است. آن را طلب کنید حتی اگر نزد مشرک باشد.»

- (۱) ارزش قائل شدن برای خود اندیشه و خردورزی - دعوت به یادگیری دانش تمدن‌های دیگر
- (۲) ارزش قائل شدن برای خود اندیشه و خردورزی - بزرگداشت علم و حکمت به عنوان نتیجه خردورزی
- (۳) طرح مباحث عقلی و استفاده از انواع استدلال - بزرگداشت علم و حکمت به عنوان نتیجه خردورزی
- (۴) طرح مباحث عقلی و استفاده از انواع استدلال - فراخواندن مسلمانان به یادگیری دانش دیگر تمدن‌ها

۱۷۲- کدام گزینه براساس تاریخ پیدایش و تکامل «حکمت مشاء»، درست است؟

- (۱) از همان آغاز، سرشت استدلالی حکمت مشاء به ظریف‌ترین موشکافی‌ها آراسته شد.
- (۲) ویژگی اصلی این حکمت عبارت است از الگوگیری از ارسطو و داشتن صورت استدلالی.
- (۳) یکی از اهداف حکمت مشاء، تبدیل انسان به جهانی واقعی مشابه جهان عینی است.
- (۴) شناخت وجود در این حکمت، به اندازه طاقت بشری است، نه آن چنان که هست.

۱۷۳- هریک از موارد «الف» و «ب» به ترتیب، با کدام یک از عوامل زمینه‌ساز حیات عقلی جامعه نواخته مسلمانان، تناسب بیشتری دارد؟

الف: قرآن کریم می‌فرماید: «اوست اول و آخر و اوست ظاهر و باطن.»

ب: پیامبر (ص) از میان دو گروه که یکی به عبادت و دیگری به گفت‌وگوی علمی مشغول بودند، به گروه دوم پیوست.

- (۱) طرح مباحث عقلی و فلسفی - تکریم علم به عنوان ثمره خردورزی
- (۲) طرح مباحث عقلی و فلسفی - دعوت به یادگیری علم در هر جا باشد.
- (۳) ارزش قائل شدن برای خود اندیشه و خردورزی - طرح مباحث عقلی و علمی
- (۴) ارزش قائل شدن برای خود اندیشه و خردورزی - تکریم پیوسته عالمان و دانشمندان

۱۷۴- کدام عبارت درباره فلسفه سیاسی فارابی درست است؟

- (۱) پس از پیامبر، مقام ریاست مدینه فاضله به حکیمان متأله و جانشینان آنها واگذار می‌شود.
- (۲) اولین مبنای فارابی برای ورود مباحث اجتماعی و فلسفه سیاسی، این بود که وی هدف انسان را رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی می‌دانست.

(۳) مردم مدینه جاهله در زندگی هدفی را دنبال نمی‌کنند بلکه صرفاً به لذات دنیوی می‌پردازند.

(۴) شرط لازم برای ریاست مدینه فاضله، نبوت نیست.

۱۷۵- کدام عبارت با دیدگاه‌های ابن سینا سازگاری بیشتری دارد؟

- (۱) شناخت جهان طبیعت به مدد مشاهده، استقرا، روش تجربی و براساس اصول عقلانی امکان‌پذیر می‌شود.
- (۲) مشاهده دقیق، استقرا و آزمایش‌های مکرر، دانشمندان را به یک بینش کلی نسبت به مراتب وجود می‌رساند.
- (۳) با بررسی و مطالعه تجربی تک‌تک موجودات جهان، وجود یک مبدأ که خالق نظام احسن است، اثبات می‌شود.
- (۴) هریک از موجودات عالم، طبیعتی دارد که هم آثار آن موجود را تعیین می‌کند و هم منشأ آثار کل عالم طبیعت می‌شود.

۱۷۶- نامگذاری فلسفه سهروردی به «اشراق»، به این جهت است که

- (۱) از تابش انوار عقلی بر نفس انسان‌های کامل به دست می‌آید.
 - (۲) همه موجودات از اشراق نور مطلق به وجود آمده‌اند.
 - (۳) از مشرق و مغرب جغرافیایی، الهام گرفته است.
 - (۴) پیروان آن، شرقیانی اهل فارس بوده‌اند.
- ۱۷۷- از دیدگاه شیخ اشراق، صدور حیات، معلول پدیده‌ای به نام است و مبنای «کمال»،

است و تفاوت جوهری اشراق با منشاء در است.

- | | |
|-----------------------------|------------------------------|
| (۱) نور - رحمت الهی - موضوع | (۲) اشعه - حکمت الهی - موضوع |
| (۳) نور - حکمت خداوند - روش | (۴) اشعه - رحمت خداوند - روش |

۱۷۸- کدام مورد با اندیشه سهروردی ناسازگار است؟

- (۱) مشرق جهان که محل فرشتگان مقرب است، به دلیل تجرد از ماده، برای موجودات خاکی قابل مشاهده نیست.
- (۲) حکیم متأله، ریاست تامه دارد اما حکومت واقعی جهان همواره در حیطه ولایت ظاهری او قرار ندارد.
- (۳) وجه تسمیه حکمت اشراق ریشه در ظهور و انوار عقلی و تابش آنها بر نفس انسان‌های کامل دارد.
- (۴) تفاوت موجودات به ذومراتب بودن نور بر می‌گردد و بدین ترتیب عقل را بر شهود مقدم می‌داند.

۱۷۹- کدام گزینه مطابقت با اندیشه ابن‌سینا در بحث طبیعت‌شناسی، نیست؟

- (۱) خود این عالم به عنوان یک «کل»، طبع و ذاتی دارد که ناشی حرکات و تحولات آن است.
 - (۲) «طبیعت، مرتبه‌ای از هستی است که دارای حرکت است و رو به سوی مقصدی خاص دارد و این مقصد جزء ذات عالم طبیعت است.
 - (۳) خلق عالم طبیعت ناشی از لطف الهی است؛ لذا بهترین نظام ممکن تحقق یافته است.
 - (۴) عامل تحقق خشوع و خشیت در نهاد دانشمند، تأمل در رابطه طبیعت با ماوراءالطبیعه و خداوند است.
- ۱۸۰- مطابقت با اندیشه بوعلی سینا، همه موارد زیر نادرست هستند، به جز

- (۱) پادشاه راستین، سوق دهنده اشیاء به سوی خیر و کمال مطلوب است.
- (۲) حتی با وجود اموری مثل مرگ، سیل و زلزله در طبیعت، این مجموعه دارای اعتدال و روبه کمال است.
- (۳) طبیعت در فلسفه ابن‌سینا، جسمانیت است و آن ذاتی است که سبب می‌شود موجودات عالم یک هدف معین داشته باشند.

- (۴) ذات هر چیزی مستقیماً از خداوند پدید آمده است و او به هیچ چیز محتاج نیست.

۱۸۱- براساس اصول اولیه حکمت متعالیه، کدام گزینه درست است؟

- (۱) بنیادی‌ترین اصل این است که حقیقت، یکی بیش نیست و جایی برای تکثر واقعی در عالم وجود ندارد.
- (۲) پذیرش وحدت حقیقت وجود به تنهایی نمی‌تواند کثرت و تعدد را در عالم، به طور دقیق تبیین کند.
- (۳) اعتقاد به اینکه انسان است که واقعی است نه وجود انسانی، برای ذهن انسان معمولی، مشکل به نظر می‌رسد.
- (۴) براساس اصل مراتب داشتن وجود، هر مرتبه‌ای از وجود، به میزان درجه ماهوی خود، ظهور حقیقت یگانه است.

۱۸۲- باتوجه به سفر عرفانی «از حق به سوی خلق»، کدام عبارت درست است؟

- (۱) با مباحث افعال خداوند و حکمت او و ربوبیت الهی در کتاب اسفار اربعه، مطابقت دارد.
- (۲) در این سفر، سالک از ذات حق جدا شده و به میان مردم باز می‌گردد.
- (۳) به مباحث علم‌النفس و مراحل شکل‌گیری آن در فلسفه ارتباط دارد.
- (۴) همان سلوک انسان به سوی کمال و رسیدن به کمال نهایی است.

۱۸۳- مناسب‌ترین دلیل برای این که ملاصدرا نام مهم‌ترین کتاب فلسفی خود را براساس مراحل سفر عرفانی

انتخاب کرده، کدام است؟

- (۱) وی در این کتاب، مراحل چهارگانه سفر عرفانی را تبیین عقلی و فلسفی کرده است.
- (۲) در این کتاب، مباحث فلسفی متناظر با مراحل سفر عرفانی دسته‌بندی و تدوین شده‌اند.
- (۳) مباحث این کتاب در مورد چگونگی سلوک به سوی حق و سپس بازگشت به خلق است.
- (۴) ملاصدرا فیلسوفی عارف بود و عارفان معتقدند که سیر و سلوک انسان به سوی کمال، مرحله‌ای دارد.

۱۸۴- مسئله اصالت وجود و اصالت ماهیت، در پاسخ به کدام سوال طرح می‌شود؟

- (۱) گوناگونی موجودات مختلف، ناشی از وجود آن‌ها است یا ماهیت‌شان؟
- (۲) آیا وجود و ماهیت دو مفهوم‌اند یا دو لفظ برای بیان یک مفهوم؟
- (۳) موجودات، مصداق مفهوم ماهیت‌اند یا مصداق وجود؟
- (۴) از هر شیء خارجی، چند مفهوم در ذهن می‌آید؟

۱۸۵- کدام عبارت درباره مشرب فلسفی ملاصدرا نادرست است؟

- (۱) همه مباحث فلسفی وی، از معیارهای پذیرفته شده در دانش فلسفه تبعیت می‌کنند.
- (۲) با آثار عرفانه خوبی آشنایی داشته و در شکل‌گیری نظام فلسفی او مؤثر بوده است.
- (۳) در اثبات برخی حقایق فلسفی، از آیات قرآن به عنوان مقدمات استدلال‌هایش استفاده کرده است.
- (۴) مکتب فکری او ثمره پیوند فلسفه‌های مشایی و اشراقی و بهره‌مندی از شهود قلبی و وحی قرآنی است.

۱۸۶- کدام عبارت درباره اصول و مبانی فلسفی متعالیه درست نیست؟

- (۱) پیش نیاز فلسفی ورود به مبحث اصالت وجود، فهم مغایرت ذهنی وجود و ماهیت است.
- (۲) ملاصدرا در بحث وحدت وجود، به اثبات برهانی تجربه‌شهودی خود پرداخت.
- (۳) مطابق نظر صدرالمتألهین، «وجود» عامل وحدت و «ماهیت» عامل کثرت در جهان پیرامونی ما هستند.
- (۴) در اندیشه ملاصدرا، اصل وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت از تجمیع «مراتب داشتن حقیقت وجود» و «وحدت حقیقت وجود» حاصل می‌شود.

۱۸۷- کدام عبارت درباره فلسفه ملاصدرا صحیح نیست؟

- (۱) از نظر او افعال خداوند، به جنبه فلسفی سفر سوم عرفا مرتبط است.
- (۲) به هنگام خلوت‌گزینی در کهک قم، آنچه را پیش از آن به برهان فراگرفته بود، از راه شهود قلبی به نحو برتر مشاهده کرد.
- (۳) روش متعالیه نتیجه تکاملی دو مشرب فلسفی «مشاء» و «اشراق» و نیز انس دائمی وی با قرآن بود.
- (۴) در فلسفه او، جایگاه دو مفهوم «نور» و «وجود» کاملاً مشخص و منفک شد.

۱۸۸- کدام مورد درباره اصول حکمت متعالیه درست است؟

- (۱) اختلاف موجودات ناشی از شدت و ضعف مرتبه وجودی آنهاست و وجود حقیقت واحدی است که در تجلیات و ظهورهای خود دارای مراتبی است.
- (۲) «اصالت» در حکمت متعالیه، معنای «واقعی بودن و ذهنی بودن» می‌دهد و نقطه مقابل اعتباری است.
- (۳) حقیقت همانند کانون نور است که قوی و ضعیف دارد و ترکیب وجود و ماهیت همانند ترکیب نور قوی و ضعیف است.
- (۴) براساس اصل اصالت وجود، تنوع و کثرتی که در موجودات جهان وجود دارد، حاکی از وجودهای مختلفی هست که همگی از خدا هستی می‌گیرند.

۱۸۹- کدام عبارت درباره حکمای معاصر ایران صحیح نیست؟

- (۱) شرح دعای سحر، مصباح الانس و آداب الصلوة نوشته امام خمینی هستند.
- (۲) امام خمینی در تدریس حکمت متعالیه، بسیاری از مباحث صدرالمتألهین را تفسیر عرفانی می‌کرد.
- (۳) علامه طباطبایی روش تفسیر قرآن به قرآن را از مرحوم فاضی آموخته بود.
- (۴) در اواخر دوره قاجار، وقوع نهضت ترجمه زمینه را برای حیات مجدد فلسفه فراهم کرد.

۱۹۰- علامه طباطبای در چه کتابی نگاهی تطبیقی به فلسفه داشت؟

- | | |
|------------------------------|-------------------|
| (۱) بدایة الحکمه | (۲) نهاية الحکمة |
| (۳) اصول فلسفه و روش رئالیسم | (۴) تفسیر المیزان |

پاسخنامه منطق

- ۱- گزینه «۱» - ذهن انسان به طور طبیعی منطقی رفتار می‌کند و بدون دانستن نام‌های این قواعد، آنها را در زندگی خود به کار می‌برد. منطق با شکل و صورت اندیشه کار دارد و نه با محتوای اندیشه. تأکید منطق بر آموزش شیوه درست اندیشیدن است. مقصود از ترازو بودن منطق، تعیین میزان یقین آوری علوم است.
- ۲- گزینه «۳» - فقط تصورات و تصدیقات مجهول با تعریف و استدلال روشن می‌شوند و نه هر تصور و تصدیقی.
- ۳- گزینه «۳» - با به کار بردن منطق می‌توان سریع‌تر و دقیق‌تر عوامل لغزش و خطای ذهن را تشخیص داد. جمله دوم نیز اشاره به این دارد که منطق ابزاری در خدمت سایر دانش‌ها است.
- ۴- گزینه «۲» - در انتهای جمله، «چیست؟» می‌گذاریم؛ اگر معنی داد، «تعریف» است. در ابتدای جمله، «چرا» می‌گذاریم، اگر معنی داد، «استدلال» است. گزینه ۱، به نوعی یکی از ویژگی‌های علم منطق است و نه تعریف آن.
- گزینه ۳، جمله انشایی است. گزینه ۴، یک قضیه شرطی متصل است که کاربردی در تعریف ندارد.
- ۵- گزینه «۳» - جمله گزینه ۳ تعریف مصداقی مرکبات است اما بقیه گزینه‌ها استدلال هستند.
- ۶- گزینه «۳» - در انتهای جمله، «چیست؟» می‌گذاریم؛ اگر معنی داد، «تعریف» است. در ابتدای جمله، «چرا» می‌گذاریم، اگر معنی داد، «استدلال» است. ضمناً گزینه ۳، جمله کامل نیست؛ لذا از همین نکته هم مشخص می‌شود که قضیه نیست.
- ۷- گزینه «۳» - تصور همان حکم نیست. حکم معادل قضیه و تصدیق است.
- ۸- گزینه «۲» - ماده و محتوای علوم در حیطه منطق نیست؛ منطق با شکل و قالب اندیشه سر و کار دارد. برای آشنایی با دو حیطه اصلی منطق، لازم است به تفاوت تصور و تصدیق توجه کنیم.
- ۹- گزینه «۳» - جمله مندرج در گزینه ۳، مغالطه توسط به معنای ظاهری است زیرا دلالت مطابقه به جای معنای التزامی آن به کار رفته است. لفظ شیر به معنی شجاع، دلالت التزامی است.
- ۱۰- گزینه «۴» - گزینه ۱ ← تضمینی - مطابقی یا تضمن - مطابقه یا تضمن
گزینه ۲ ← مطابقه - تضمن - مطابقه
گزینه ۳ ← مطابقه - التزام - التزام
گزینه ۴ ← التزام - مطابقه - تضمن
- ۱۱- گزینه «۳» - از آنجا که خطای در الفاظ و معنای آنها می‌تواند باعث خطای در اندیشه شود، به مبحث الفاظ در منطق توجه خاصی می‌شود. علم منطق وابسته به زبان خاصی نیست و لذا وارد قواعد صرفی و نحوی نمی‌شویم.
- ۱۲- گزینه «۴» - چون مشخص کرده «اختلاف سن»، پس از حالت مغالطه خارج شده است. گزینه ۱، مغالطه ابهام در مرجع ضمیر است. گزینه ۲، مغالطه نگارش است. گزینه ۳، مغالطه اشتراک لفظ است.
- ۱۳- گزینه «۲» - نوعی مغالطه توسل به معنای ظاهری است. در گزینه ۳، مغالطه اشتراک لفظ وجود دارد و در گزینه ۴ مغالطه ابهام در مرجع ضمیر وجود دارد.
- ۱۴- گزینه «۱» ← به ترتیب مطابقه - التزامی - تضمن
در گزینه ۲ به ترتیب: مطابقه - التزامی - مطابقه

در گزینه ۳ به ترتیب: مطابقه - مطابقه - التزام

در گزینه ۴ به ترتیب: مطابقه - مطابقه یا التزام - مطابقه

۱۵- گزینه «۱» - دلالت مطابقه به دانشگاه رفتن یعنی رفتن به درب یا داخل دانشگاه است ولی به دلالت التزامی به معنای درس خواندن در دانشگاه و دانشجوی بودن است. گزینه‌های ۲ و ۳، ابهام در مرجع ضمیر است و گزینه ۱، مغالطه نگارشی است.

۱۶- گزینه «۳» - «لباسش» ابهام دارد؛ لباس چه کسی؟ پیرمرد یا خود پرستار. گزینه ۱ مغالطه اشتراک لفظ است. «با» دو معنی دارد: همزمان ازدواج کردند یا با یکدیگر ازدواج کردند. گزینه ۲ مغالطه نگارشی است. گزینه ۴ چون در گیومه آمده و نقل قوم مستقیم از علی شده؛ لذا مغالطه ابهام در مرجع ضمیر نیست.

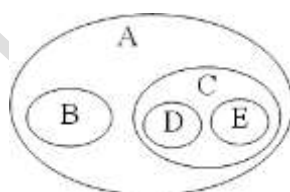
۱۷- گزینه «۳» - در گزینه ۱ به ترتیب: مطابقه - مطابقه - التزام

گزینه ۲ به ترتیب: التزام - التزام - مطابقه

گزینه ۳ به ترتیب: مطابقه - التزام - تضمن

گزینه ۴ به ترتیب: التزام - مطابقه - مطابقه

۱۸- گزینه «۴» - به شکل مقابل توجه کنید.

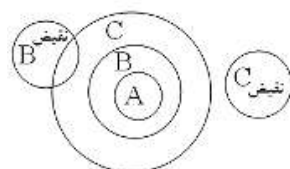


۱۹- گزینه «۱» - همه مفاهیم این گزینه، جسم هستند یعنی جسم از اجزای ذاتی آن‌ها است و از آن‌ها غیرقابل انفکاک است؛ ولی شکل، شیرین، رنگ، مکعب و مربع «جسم» نیستند.

۲۰- گزینه «۳» - در دسته‌بندی‌ها از مفاهیم عام آغاز می‌کنیم و به مفهومی خاص می‌رسیم که با توجه به همین سلسله انواع و اجناس می‌توان وجه اشتراک و تمایز آن‌ها را مشخص کرد. نسبت اربع میان مصادیق دو مفهوم کلی است. تعریف مفهومی به تحلیل یک مفهوم می‌پردازد.

۲۱- گزینه «۳» - مطابق شکل رابطه الف با بقیه مفاهیم، عام و خاص مطلق است. رابطه ج با ب و د، من وجه است و رابطه ب با د، تباین است. که این‌ها را فقط در گزینه ۳ مشاهده می‌کنیم.

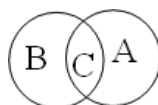
۲۲- گزینه «۱» - به شکل زیر توجه کنید:



نسبت مفهوم خاص با نقیض عام: تباین

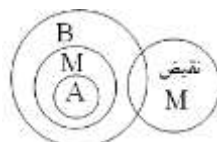
نسبت مفهوم عام با نقیض خاص: من وجه

۲۳- گزینه «۲» - میان A و B عموم و خصوص من وجه برقرار است. رابطه A با غیر C (یعنی B) عام و خاص من وجه است. به شکل زیر توجه کنید:



۲۴- گزینه «۴» - بین «ماهی و بی مهره» نسبت تباین است. در سایر گزینه‌ها نسبت عام و خاص مطلق برقرار است.

۲۵- گزینه «۳» - خواسته سوال دو چیز است. نسبت A با نقیض M و همچنین نسبت B با نقیض M.



به دو نکته زیر توجه کنید:

نسبت مفهوم خاص با نقیض عام: تباین

نسبت مفهوم عام با نقیض خاص: من وجه

۲۶- گزینه «۳» - هرگاه رابطه دو مفهوم «الف» و «ب»، مطلق باشد و «الف» عام‌تر از «ب» باشد (الف < ب)؛ رابطه نقیض‌های آن دو نیز، مطلق خواهد بود و فقط جای مفاهیم عام و خاص عوض می‌شود یعنی غیر ب < غیر الف هرگاه رابطه دو مفهوم، تساوی باشد، رابطه نقیض‌های آن دو نیز تساوی خواهد بود.

۲۷- گزینه «۴» - هرگاه نسبت دو مفهوم «تباین» باشد دو حالت به وجود می‌آید: (۱) آن دو مفهوم نقیض یکدیگر نباشد مثل انسان و اسب؛ در این صورت، رابطه نقیض‌های آنها، من وجه خواهد بود. (۲) اگر آن دو مفهوم، نقیض یکدیگر باشند مثل زوج فرد؛ رابطه بین نقیض‌های آن دو مفهوم تباین خواهد بود.

۲۸- گزینه «۴» - تعریف صحیح فعل: کلمه‌ای که بر انجام کاری یا وقوع حالتی دلالت می‌کند با تأکید بر زمان. گزینه‌های ۲، ۳ و ۴ مانع نیستند.

۲۹- گزینه «۲» - استفاده از معادل‌های کلمات خارجی، تعریف لفظی محسوب می‌شود. (رد گزینه‌های ۳ و ۴) - یک تعریف صحیح، دوری نیست؛ یعنی تعریف شیء به خود نیست. (رد گزینه ۱)

۳۰- گزینه «۳» - در تعریف مفهومی، ابتدا مفهوم عام و سپس مفهوم خاص می‌آید که خود این تعریف دو نوع می‌شود: حدی و رسمی. مفاهیم بدیهی نیاز به تعریف ندارد (رد گزینه ۱). نسبت یا سلب نسبتی به یک مفهوم، تصدیق است. (رد گزینه ۳)، برای تعریف یک مفهوم از تصورات معلوم استفاده می‌کنیم. (رد گزینه ۴)

۳۱- گزینه «۴» - تعریف گزینه ۱، دوری است. گزینه ۲، مانع نیست. گزینه ۳، واضح و روشن نیست.

۳۲- گزینه «۴» - گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ استقرای تمثیلی هستند. برای تشخیص این مورد باید توجه کرد که «اسلوب معادله» در ادبیات می‌تواند استقرای تمثیلی باشد. برای تشخیص اسلوب معادله، بین دو مصرف از عبارت «همان طور که» استفاده می‌شود.

۳۳- گزینه «۲» - در سایر گزینه‌ها استدلال قیاسی وجود دارد و مقدمات ضرورتاً نتیجه را به دنبال دارد.

۳۴- گزینه «۲» - در علوم تجربی، دانشمندان با استفاده از استدلال‌های استقرایی قوی، مبنایی برای علوم تجربی فراهم می‌آورند. در صورتیکه شرایط استقرای تعمیمی قوی رعایت شود، نتیجه قوی‌تر می‌شود ولی قطعی و یقینی نخواهد بود. اگر در شهری چند نفر را ملاحظه کنیم که ظاهری شبیه هم دارند و بعد حکم کلی کنیم، استقرای تعمیمی انجام داده‌ایم.

- ۳۵- گزینه «۴» - با توجه به اینکه فقط در چند ماه ابتدایی ابتدای کوکان گزارش نشده است، حکم کلی و تعمیمی داده شده است. در این جا شرایط استقرای تعمیمی قوی رعایت نشده است.
- ۳۶- گزینه «۲» - یک استقرای تعمیمی است. سایر گزینه‌ها، استدلال قیاسی هستند.
- ۳۷- گزینه «۴» - پروین، تجربه کم و حدود خود را برای همه افراد تجویز کرده است. گزینه ۱، استنتاج بهترین است. گزینه ۲، استدلال قیاسی است. در گزینه ۳، نتیجه انتخابات یک استدلال قیاسی است زیرا همه آراء شمارش می‌شود. جمله آخر هم یک اظهار نظر است.
- ۳۸- گزینه «۴» - ابیات دیگر بیان می‌کند که به صرف مشابَهت ظاهری، نمی‌توان حکم یک مورد را به دیگری سرایت داد. مثلاً گزینه ۱ بیان می‌کند که هرچند آدم‌ها ظاهرشان زیباست اما بسیار خطرناکند. گزینه ۲ بیان می‌کند که مردم از مقایسه طوطی که آن مرد را شبیه خودش تصور کرده بود، خندیدند. گزینه ۴ یک استقرای تمثیلی است اما درباره ضعیف بودن این استدلال چیزی نگفته است.
- ۳۹- گزینه «۳» - گزینه ۱ توضیح استقرای تمثیلی است و نه تمثیل. اصطلاح قیاس در ادبیات معادل تمثیل در منطق است. فقط استقرای تعمیمی قوی می‌تواند مبنای اعتماد علوم تجربی قرار بگیرد.
- ۴۰- گزینه «۱» - در بیت اول، سه تصدیق وجود دارد شامل «به قیاس در نگنجی»، «به وصف در نیایی» و «من در اوصاف و جمال و حسن و زینت متحیر هستم». در بیت دوم، مصرع اول، جمله انشایی امری است. و مصرع دوم، تصدیق است. در بیت سوم، یک تصدیق وجود دارد و معادل گفتار فارسی آن می‌شود «غم و اندیشه هنگامی که تو نقطه میانش باشی، حقیقتاً هرگز وارد آن دایره نمی‌شود.
- ۴۱- گزینه «۲» - یک جمله ناقص است.
- ۴۲- گزینه «۴» - با توجه به قضیه اول، «گشت» در اینجا به معنای «شد» نیست بلکه به معنای «چرخید» است لذا فعل ربطی نیست و برای مشخص کردن محمول، باید فعل را تبدیل کنیم. با تبدیل فعل، قضیه به این صورت خواهد شد: پروانه، گردان به دور شمع است. محمول این قضیه، «گردان به دور شمع» است. (رد گزینه‌های ۱ و ۳) - در قضیه دوم، موضوع یا همان نهاد، «جهان» است. جهان ز کردار او ویران گشت. (رد گزینه ۲)
- ۴۳- گزینه «۱» - در گزینه ۱، مصرع اول، جمله انشایی است و مصرع دوم، قضیه حملی است. گزینه ۲ دارای دو قضیه حملی است. ظاهراً طراح کنکور از گزینه ۳، این معنی را برداشت می‌کند «اگر چرخ گره‌ای بر سر راه تو ایجاد نکند، گره دیگری از راه تو می‌گشاید» که در این صورت چیزی سلب نشده است. معنی گزینه ۴ این می‌شود «من در طلب دانش همت می‌کنم» پس اثبات «همت» برای «من» است و نه «طلب دانش».
- ۴۴- گزینه «۴» - یک قضیه محصوره است.
- ۴۵- گزینه «۲» - مربع تقابل نشان می‌دهد که قضایای محصوره، از نظر صدق و کذب و تغییر کمیت و کیفیت، دارای روابطی با یکدیگر هستند و این مربع نشان می‌دهد که میان قضایای محصوره حداقل چهار رابطه وجود دارد. اجرای قضیه (موضوع و محمول) در عکس مستوی جابه‌جا می‌شوند.

۴۶- گزینه «۱» - سالبه جزیه، عکس لازم الصدق ندارد. در گزینه ۲، عکس سالبه کلیه می شود سالبه کلیه و تداخل سالبه کلیه می شود سالبه جزیه که آن هم صادق است. در گزینه ۳، عکس موجب جزیه می شود موجب جزیه. گزینه ۴ نوعی استدلال قیاسی است و از کلی به جزئی رسیده است.

۴۷- گزینه «۲» - به عنوان مثال: هر الف ب است ← هیچ الف ب نیست ← بعضی الف ب نیست. تضاد

۴۸- گزینه «۳» - احکام قطعی صادق بودن هر دو قضیه را در تداخل و عکس مستوی داریم. صورت سوال با گزینه ۳ رابطه عکس مستوی دارد. گزینه ۲ را نمی توان به عنوان تداخلش انتخاب کرد زیرا محمول به طور کامل ذکر نشده است. ۴۹- گزینه «۳» - دو قضیه متضاد، همزمان می توانند کاذب باشند یعنی کذب هر دو جایز است. در تداخل اگر قضیه جزئی کاذب باشد، کلی آن حتماً کاذب است. در تناقض، صدق هر دو قضیه و همچنین کذب هر دو قضیه محال است. ۵۰- گزینه «۳» - «هیچ الف ب نیست» که صادق است را تضاد می کنیم که می شود «هر الف ب است» و کاذب. عکس قضیه اخیر نیز می شود «بعضی ب الف است» و چون اصل قضیه کاذب است، صدق و کذب عکس آن نامعلوم خواهد بود. از همین جهت می گویند عکس مستوی باید از یک قضیه صادق ساخته شود.

۵۱- گزینه «۱» - اصل قضیه یعنی «هیچ الف ب نیست» که صادق است را به عکس تبدیل می کنیم که می شود «هیچ ب الف نیست» و این هم صادق است. مطابق احکام قضایا بین این قضیه اخیر و «هر ب الف است» تضاد برقرار است که این می شود کاذب. و ضمناً بین آن قضیه و «بعضی ب الف نیست» رابطه تداخل برقرار است پس این هم می شود صادق. ۵۲- گزینه «۱» - در بین قضایای محصوره صادق، قضیه موجب کلیه، بیشترین حالت صدق یا کذب قطعی را به ما می دهد. تناقض موجب کلیه صادق می شود سالبه جزیه کاذب تضاد موجب کلیه صادق می شود سالبه کلیه کاذب. تداخل موجب کلیه صادق می شود موجب جزیه صادق. موجب کلیه تداخل تحت تضاد ندارد. عکس موجب کلیه صادق می شود موجب جزیه صادق. پس گزینه ۱، که موجب کلیه است؛ طبق احکام قضایا سه قضیه متقابلش و یک قضیه عکس مستوی اش، معین و قطعی است. گزینه ۳، قضیه شخصیه است و فقط تناقض دارد. گزینه ۴ و ۳، موجب جزیه هستند و فقط یک قضیه متقابل (تناقض) و یک قضیه عکس مستوی معین و قطعی دارند.

۵۳- گزینه «۴» - اگر قضیه «بعضی غیرمربع ها، مثلث هستند» صادق باشد، عکس آن می شود «بعضی مثلث ها غیرمربع هستند» که آن هم صادق است و نقیض این عکس، می شود «هیچ مثلثی غیرمربع نیست» که کاذب خواهد بود. ۵۴- گزینه «۳» - در این گزینه حد وسط در مقدمه اول «در خانه» و در مقدمه دوم «خانه» است؛ پس عیناً تکرار نشده است. در گزینه ۲ «شیر» با اینکه مشترک لفظی است اما در هر دو مقدمه به معنای نوعی حیوان به کار رفته و به یک معنا است. در گزینه ۴ حرف «ز» به معنای «از دایره مصادیق» است و جزو معنای حد وسط نیست پس حد وسط به تمام تکرار شده است.

۵۵- گزینه «۱» - در قضایای سالبه کلیه و شخصیه سالبه، موضوع و محمول دارای علامت مثبت هستند.

۵۶- گزینه «۲» - نقیض قضیه «هیچ الف ب نیست» که کاذب است قضیه «بعضی الف ب است» می شود که صادق است. و نقیض قضیه «بعضی غیر ج ب است» می شود «هیچ غیر ج ب نیست» که آن هم صادق می شود و از این دو مقدمه می توان یک قیاس معتبر شکل دوم به این صورت درست کرد: بعضی الف ب است، هیچ غیر ج ب نیست پس بعضی الف غیر ج نیست. دقت کنید که قضایای مذکور را به این دلیل تناقض می کنیم که باید دو قضیه صادق داشته باشیم.

- ۵۷- گزینه «۳» - اگر میان دو قضیه جزء مشترکی وجود داشته باشد، می‌توان از آنها به عنوان دو مقدمه استفاده کرد و یک قیاس اقترانی تشکیل داد و در صورت رعایت سایر شرایط قیاس، نتیجه معتبری از آن به دست آورد.
- ۵۸- گزینه «۱» - در گزینه ۱ اگر نتیجه رابه صورت کلیه بنویسیم، قیاس معتبر نخواهد شد؛ زیرا علامت «پ» در نتیجه مثبت می‌شود ولی در مقدمه اول، منفی است. پس باید نتیجه را فقط به صورت «سالبه جزئی» نوشت تا معتبر شود. اما در گزینه ۲ می‌توان نتیجه را به صورت موجه کلیه یا جزئی نوشت و در هر دو صورت معتبر است. هرچند در شکل اول قیاس اقترانی حملی با رعایت شرایط اعتبار هرگاه دو مقدمه، کلیه باشد نتیجه هم کلیه می‌شود نه جزئی. در گزینه ۳ نتیجه چه کلیه باشد چه جزئی، در هر دو صورت نامعتبر خواهد بود. در گزینه ۴، اساساً شرط دوم اعتبار قیاس یعنی مثبت بودن حدوسط حداقل در یک مقدمه رعایت نشده و «ب» در هر دو مقدمه، منفی است بنابراین قیاس با هر نتیجه‌ای نامعتبر است.
- ۵۹- گزینه «۳» - چون گفته «نقیض» پس اصل قضیه می‌شود: «هر م ج است». نکته مهم اینکه اگر اجزای غیر حدوسط مقدمات علامت منفی داشته باشد نباید در نتیجه مثبت باشد. در حالیکه «ج» در مقدمات علامت منفی دارد اما می‌بینیم که در گزینه ۳، علامت مثبت دارد. به عبارتی شرط سوم اعتبار قیاس را ندارد.
- ۶۰- گزینه «۲» - نقیض «بعضی الف ب نیست» می‌شود هر الف ب است. نکته مهم اینکه اجزای غیر حدوسط دو مقدمه اگر علامت منفی داشته باشد نباید در نتیجه علامتش مثبت باشد. در مقدمه حاضر «ب» منفی است اما در گزینه ۲، علامتش مثبت است. به عبارتی شرط سوم اعتبار قیاس را ندارد.
- ۶۱- گزینه «۲» - در صورتیکه گزینه ۲ را به عنوان مقدمه دیگر این قیاس برگزینیم؛ در آن صورت شرط دوم اعتبار قیاس را ندارد یعنی حد وسط (ب) در هر دو مقدمه علامت منفی خواهند داشت.
- ۶۲- گزینه «۱» - بودن یا نبودن «از» در مقدمه اول گزینه ۱، تغییری در معنای جمله ایجاد نمی‌کند. در گزینه ۲، حد وسط به یک معنی نیست. در گزینه‌های ۳ و ۴ حدوسط عیناً تکرار نشده است.
- ۶۳- گزینه «۳» - شرط سوم اعتبار قیاس را ندارد. گزینه ۱، هم شرط اول اعتبار قیاس را ندارد و هم قانون نتیجه قیاس را رعایت نکرده است. در گزینه ۲، شرط اول و سوم رعایت نشده است و گزینه ۴ معتبر است.
- ۶۴- گزینه «۳» - با طرح مثال‌های مختلف، متوجه خواهید شد که اگر در شکل اول و دوم، حد وسط در هر دو مقدمه علامت مثبت داشته باشد، قیاس نامعتبر خواهد بود. مثل بعضی الف ب نیست؛ هر ب ج است پس بعضی الف ج نیست.
- ۶۵- گزینه «۲» - گزینه ۲ در ابتدا تالی قرار گرفته و سپس مقدم.
- ۶۶- گزینه «۴» - بین «انسان» و «غیر حیوان» نسبت تباین شکل می‌گیرد و دو قضیه سالبه کلیه ساخته می‌شود. تداخل سالبه کلیه نیز می‌شود سالبه جزئی که در گزینه ۴ مشاهده می‌شود.
- ۶۷- گزینه «۳» - گزینه‌های ۲ و ۴ منفصل مانعه‌الرفع هستند اما گزینه ۳ منفصل مانعه‌الجمع است.
- ۶۸- گزینه «۳» - اگر سلسله علت‌ها بخواند تا بی‌نهایت به برود، اصلاً نوبت به معلولی که اکنون پیش روی ماست نمی‌رسد نوبت به معلولی که پیش روی ماست رسیده است. سلسله علت‌ها تا بی‌نهایت نمی‌رود. این استدلال یک قیاس استثنایی اتصالی مبتنی بر قاعده رفع تالی است. (درس ۶ فلسفه دوازدهم و درس ۹ منطق)

۶۹- گزینه «۳» - در قیاس استثنایی منفصل حقیقی از اثبات یکی از طرفین، نفی طرف دیگر نتیجه می‌شود و بالعکس.

الف یا ب است یا ج	ب پس غیر ج
	ج پس غیر ب
	غیر ب پس ج
	غیر ج پس ب

۷۰- گزینه «۴» - از بین ۱۲ حالت قیاس استثنایی منفصل، فقط هشت حالت آن معتبر هستند. گزینه ۲ ویژگی قیاس اقترانی است. قواعد مربوط به قضایای شرطی متصل و شرطی منفصل مانع الرفع در صنایع الکترونیک به کار گرفته می‌شود.

۷۱- گزینه «۱» - از بین چهار حالت قیاس استثنایی متصل فقط دو حالت معتبر است (وضع مقدم و رفع تالی). قیاس استثنایی منفصل حقیقی، چهار حالت معتبر دارد. قیاس استثنایی منفصل مانع الجمع و همچنین مانع الرفع هر کدام دو حالت معتبر دارند. قیاس اقترانی براساس جایگاه حد وسط، چهار شکل دارد. اساس تعیین اعتبار قیاس، تعیین دامنه مصادیق موضوع و محمول است.

۷۲- گزینه «۴» - جمله مندرج در گزینه ۱، مغالطه تله گذاری، جمله مندرج در گزینه ۲، مغالطه مسموم کردن چاه و جمله مندرج در گزینه ۳، مغالطه بزرگ نمایی است.

۷۳- گزینه «۳» - این جمله مربوط به خطابه است.

۷۴- گزینه «۳» - جمله مندرج در گزینه ۳ (مغالطه تله گذاری) در حیطه مغالطات در اثر عوامل روانی است؛ اما گزینه ۱ (مغالطه اشتراک لفظ)؛ گزینه ۲ (مغالطه ابهام در مرجع ضمیر) و گزینه ۴ (مغالطه توسل به معنای ظاهری) مربوط به حیطه مغالطات در حیطه الفاظ و تعریف هستند.

۷۵- گزینه «۱» - خلاصه درس آخر کتاب درسی را حتماً مطالعه کنید.

صوری: ناشی از صورت استدلال است.

مغالطات	غیر صوری	مادی ← ناشی از محتوای غلط
		عرضی ← ناشی از عوامل روانی

پاسخنامه فلسفه یازدهم

۷۶- گزینه «۲» - موضوع فلسفه، وجود و هستی است. با قدرت تفکری که خداوند در وجود ما قرار داده، پاسخ سوال‌ها را می‌یابیم و امور روزانه خود را سامان می‌دهیم. لذا می‌توان گفت که بدون تفکر کاری از انسان ساخته نیست. قرار گرفتن در مسیر درست فلسفی در گام اول مستلزم آگاهی از مجهولات خود است. روش فلسفه شبیه به روش ریاضی است.

۷۷- گزینه «۳» - مراحل تفکر فلسفی عبارتند از:

الف) روبه رو شدن با مسأله‌های فلسفی (محبت مادر به فرزند)

ب) طرح پرسش فلسفی

- ج) رجوع به معلومات و تفکر در اندوخته‌ها (محبت حیوانات به فرزندان را قبلاً در رفتار همه حیوانات مشاهده کرده‌ایم)
- د) رسیدن به دریافت فلسفی (به درک کلی از رابطه عاشقانه در جهان می‌رسیم)
- ۷۸- گزینه «۲» - دغدغه برخی از سوفیست‌ها، بیان واقع و دفاع از حقیقت نبود. این گروه پیروزی بر رقیب را مهم‌ترین هدف می‌دانستند و از این رو در استدلال‌های خود بیشتر از مغالطه کمک می‌گرفتند که به ظاهر درست اما در واقع غلط بود.
- ۷۹- گزینه «۲» - در روش فلسفی، باید از عقل و استدلال‌های قیاسی استفاده کرد و استقرا در آن به کار نمی‌رود. در گزینه ۲ اگرچه استدلال مطرح شده مورد قبول عقل‌گرایان نیست اما به هر حال یک استدلال قیاسی مطرح شده است، لذا روش فلسفی است. در گزینه ۱ استقرای تعمیمی صورت گرفته است. در گزینه ۳ استفاده از شهود را که نتیجه تهذیب نفس است، در درک علیت مطرح کرده است و این روش در عرفان مطرح می‌شود و در گزینه ۴ با استفاده از متون دینی، به اثبات این مطلب پرداخته است و این روش نیز روش فلسفی محسوب نمی‌شود.
- ۸۰- گزینه «۲» - کسی که اهل تفکر فلسفی است می‌کوشد بنیان‌های فکری خود را در چارچوب عقل و منطق قرار دهد و این فرد لزوماً یک فیلسوف نیست بلکه دارای تفکر فلسفی است.
- ۸۱- گزینه «۳» - مراحل تفکر فلسفی به ترتیب عبارتند از: ۱- روبرو شدن با مجهول‌ها و مسأله‌های فلسفی. ۲- طرح پرسش‌های فلسفی. ۳- رجوع به معلومات و تفکر در اندوخته‌ها و انتخاب معلومات متناسب با سوال. ۴- رسیدن به دریافت فلسفی و تحقق شناخت معرفت.
- در گزینه ۱، قسمت سوم ربطی به معنی سعادت ندارد بلکه عامل سعادت است؛ ضمناً قسمت آخر ربطی به قسمت قبل ندارد. گزینه ۲، با سوال شروع شده و ضمناً دو تا سوال دارد همچون گزینه ۴.
- ۸۲- گزینه «۱» - تلاش فیلسوفان، بررسی دقیق مطلق وجود (موجود از آن جهت که صرفاً موجود است) می‌باشد. ستارگان جزء امور محسوس هستند. فیلسوفان نیز به تفکر در فطرت اول می‌پردازند.
- ۸۳- گزینه «۲» - این که «باید از دروغ و عهدشکنی دوری کرد» مربوط به اخلاق است، نه فلسفه اخلاق. جمله آخر مربوط به انسان‌شناسی فلسفی و یا فلسفه روان‌شناسی است.
- ۸۴- گزینه «۴» - دانشمندان علوم انسانی بر این اساس که چه دیدگاهی نسبت به حقیقت و ماهیت انسان دارند، دارای عقاید و نظرات متفاوتی هستند.
- ۸۵- گزینه «۲» - با تأمل فیلسوفان در تاریخ و حقوق، شاخه‌هایی از فلسفه مانند فلسفه تاریخ و فلسفه حقوق شکل می‌گیرد. معرفت به وجود، فرع بر امکان شناخت است. شاخه‌های دانش فلسفه آن دسته از دانش‌های فلسفی هستند که قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت‌شناسی را به محدوده‌های خاص منتقل می‌سازند.
- ۸۶- گزینه «۲» - در این گزینه قسمت دوم جمله، اساس قضیه است؛ یعنی چون اصالت با فرد است پس باید به مالکیت خصوصی احترام گذاشت. در گزینه ۱، عالم مجرد از ماده، فلسفه مضاف نیست بلکه ریشه فلسفه است. گزینه ۳، صرفاً علم تاریخ است. گزینه ۴، انسان‌شناسی فلسفی است که در این گزینه ربطی به نظریات علمی ندارد.
- ۸۷- گزینه «۳» - شخص تنومندی که سعی می‌کند زندانی را از غار بیرون آورد و او را به طور کامل در معرض نور قرار دهد، نماد عقل است؛ چون فیلسوف نیز به کمک عقل از عادات غیرمنطقی رها می‌شود. زندانیان از واقعیت خودشان نیز خبر ندارند. زندانی نسبت به آزادی دوستانش در غار احساس مسئولیت می‌کند و برای رهایی آنها به درون غار بر می‌گردد.

- ۸۸- گزینه «۲» - افلاطون در تمثیل غار می‌خواهد نشان دهد که چگونه فلسفه، انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می‌کند. او معتقد است که شخص تنومندی (که تعبیر دیگری از عقل است) زندانی را از سربالایی، بالا می‌کشد و از غار بیرون می‌آورد و به طور کامل در معرض نور قرار می‌دهد یعنی از جهل نجات می‌دهد.
- ۸۹- گزینه «۱» - تمثیل غار مثالی برای استقلال در اندیشه و رهایی از عادات غیرمنطقی است. دوری از مغالطه‌ها باعث می‌شود تا مردم باوری را که مبنای مغالطه است نپذیرند. دوری از خرافات مستلزم رهایی از عادات غیرمنطقی است.
- ۹۰- گزینه «۲» - پارمنیدس از نسبی بودن شناخت حسی حرفی نزده است (رد گزینه ۴) ثانیاً او می‌گفت به دلیل خطاپذیر بودن حس، نمی‌توان وجود حرکت را که حس تشخیص می‌دهد، قبول کرد (رد گزینه ۱ و ۳) حرکت توسط حواس ادراک می‌شود اما چون پارمنیدس به سبب این که حواس فقط مرتبه ظاهری جهان و هستی را نشان می‌دهد اعتبار حواس را زیر سوال برده بود.
- ۹۱- گزینه «۱» - فیلسوفان ابونیا درباره هستی و نیستی و همچنین ماده اصلی هستی و مبدأ تغییرات و دگرگونی‌های جهان طبیعت بحث می‌کردند اما سقراط چون همزمان با سوفیست‌ها زندگی می‌کرد پیوسته درباره مسائل روزمره زندگی و انسان بحث می‌کرد و در این مورد، مشابه سوفیست‌ها بود.
- ۹۲- گزینه «۱» - پارمنیدس معتقد بود که از طریق حواس نمی‌توان به واقعیت رسید و حواس فقط همین مرتبه ظاهری جهان و هستی را نشان می‌دهد که نشان دهنده امور مختلف و متغیر است اما با عقل می‌توان به لایه باطنی و حقیقی هستی رسید که بدون تغییر و جاودانه است. هراکلیتوس معتقد به وحدت اضداد بود.
- ۹۳- گزینه «۲» - موضوع بحث فیلسوفان ایونیا، مسائل هستی‌شناسی، دگرگونی‌های جهان طبیعت مبدأ تغییرات بود اما روش سوفیست‌ها باعث شد تا بحث‌ها متمرکز بر روی انسان و مسائل پیرامون آن باشد سقراط نیز شبیه سوفیست‌ها به این مسائل انسان پرداخت.
- ۹۴- گزینه «۲» - «توجه دقیق» به حرکت و شدن مربوط به پارمنیدس بود که معتقد بود هستی یک امر واحد ثابت است. هراکلیتوس معتقد به تغییر و دگرگونی دائمی در جهان بود.
- ۹۵- گزینه «۱» - سوفیست‌ها با کمک اقسام مغالطه‌ها و جدل و فن سخنوری به نشر اندیشه خود می‌پرداختند و بر شیوه زندگی مردم تأثیر می‌گذاشتند. تحت تأثیر چنین اندیشه‌هایی، مرم آتن از اخلاق و فضیلت فاصله گرفتند.
- ۹۶- گزینه «۲» - جهان دیگر را مادی نمی‌دانست.
- ۹۷- گزینه «۲» - سوفیست‌ها به نشر اندیشه‌های مغالطه آمیز خود پرداختند. گرگیاس به انکار واقعیت پرداخت.
- ۹۸- گزینه «۴» - راز پیام سروش دلفی این بود که داناترین فرد، کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی‌داند.
- ۹۹- گزینه «۴» - توجه ویژه کانت به شناخت باعث شد تا شاخه معرفت‌شناسی رشد بیشتری کند. امروزه به علت طرح پرسش‌های جدی و جدید درباره معرفت و ظهور دیدگاه‌های گوناگون، این بخش از فلسفه به صورت شاخه مستقلی درآمده است.
- ۱۰۰- گزینه «۴» - اینکه با دیگری سخن می‌گوییم، به سمت چیزی می‌رویم و یا از آن دور می‌شویم و از خطرهای فاصله می‌گیریم؛ همه اینها نشانه توانایی ما در دانستن است.

۱۰۱- گزینه «۱»- درست است که معنای شناخت و معرفت روشن است و نیازی به تعریف ندارد اما ممکن است در لفظ آن ابهامی وجود داشته باشد که آن ابهام با بیان حداکثر یک معادل، حل می‌شود. سایر گزاره‌ها با توجه به مطالب مطرح شده در درس ششم کاملاً درست هستند.

۱۰۲- گزینه «۴»- اینکه انسان متوجه خطای خود می‌شود یعنی شناخت درست را درک کرده و به توانایی خود در امکان شناخت ایمان دارد.

۱۰۳- گزینه «۱»- یکی از ویژگی‌های انسان، توانایی شناختن است. ما اشیاء و پدیده‌های پیرامون خود را شناسایی می‌کنیم و از آنها استفاده می‌نماییم. انسان قادر به شناخت مستقیم برخی امور نیست مثل خداوند (ردّ گزینه ۲). جمله مندرج در گزینه ۳ مربوط به قلمرو و محدوده شناخت است. جمله گزینه ۴ مربوط به خطاپذیر بودن شناخت است.

۱۰۴- گزینه «۳»- شکایت مطلق یعنی شک در همه دانسته‌ها، امکان پذیر نیست و اگر کسی چنین نظری بدهد، گرفتار یک تناقض شده و همین نظر او با شک مطلق سازگار نیست؛ در واقع اگر شخصی در اصل دانستن شک کند، همین دانش در ذهن او شکل گرفته است پس نمی‌توان گفت هیچ دانشی در ذهن او شکل نمی‌گیرد.

۱۰۵- گزینه «۳»- یکی از نشانه‌های ارزش و اعتبار شناخت حسی، توانایی حس در شناخت تفاوت‌ها و تمایزهاست. پس این گزاره به ارزش و اعتبار شناخت اشاره دارد. هم معنای شناخت و هم امکان شناخت برای هر انسانی، روشن است و شکایت مطلق امکان‌پذیر نیست هرچند در توانایی انسان برای شناخت برخی امور می‌توان شک کرد.

۱۰۶- گزینه «۴»- تحلیل یافته‌های حسی، مختص عقل است و کتاب درسی هم از عبارت «تحلیل عقلانی یافته‌های حسی» استفاده کرده است. گزینه ۱ مربوط به عقل و شهود است. گزینه ۲ مربوط به عقل و حس است. و برای کسب مقدمات استدلال قیاسی می‌توان از تجربیات نیز بهره برد.

۱۰۷- گزینه «۴»- معرفت شهودی از طریق تقویت ایمان و تعالی بخشیدن به نفس و تهذیب آن و کمال طلبی همراه با عبادت خالصانه، به تدریج حاصل می‌شود.

۱۰۸- گزینه «۳»- درس ۷ فلسفه یازدهم

۱۰۹- گزینه «۲»- جمله گزینه ۱، بیانگر دیدگاه کانت است، نه دیدگاه دکارت. منتقدان تجربه‌گرایی مطلق، معتقد بودند بسیاری از نتایج تجربی احتمالی هستند، نه همه آن‌ها. (رد گزینه ۳) پراگماتیست‌ها معتقد بودند از طریق تجربه نمی‌توان به واقعیت اشیا رسید. (رد گزینه ۴)

۱۱۰- گزینه «۲»- کانت و دکارت، از روش عقلی محض، وجود نفس مجرد را اثبات کردند. دکارت علاوه بر این خدا را هم اثبات کرد ولی کانت، ضرورت وجود خدا را از طریق اخلاق اثبات کرد. قسمت اول گزینه‌های ۱ و ۳ خاص کانت هستند. درباره قسمت اول گزینه ۴ باید گفت که از نظر کانت، ادراک حسی محض نداریم که بخواهد به ادراک علیت بپردازد.

۱۱۱- گزینه «۱»- کانت به نقش داده‌های حسی در شناخت واقعیات باور دارد زیرا معتقد است که معرفت حاصل همکاری حس و عقل است. کانت معتقد است که قوه ادراکی انسان تصوراتی مثل زمان و مکان و مفاهیمی مثل علیت را «نزد خود دارد» و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی‌آورد و آنچه را که از طریق حس به او می‌رسد در قالب این مفاهیم درک می‌کنند.

- ۱۱۲- گزینه «۲» - بیشترین تأثیر نسبی گرایی در حوزه‌هایی مثل اخلاق و انسان‌شناسی بود. اثبات گرایی معتقد است تنها راه شناخت واقعیت، تجربه است. افرادی مثل ویلیام جیمز و برگسون، به تجربه دینی و شهود عرفانی معتقد بودند.
- ۱۱۳- گزینه «۴» - درس هشتم فلسفه یازدهم
- ۱۱۴- گزینه «۱» - از نظر دکارت و کانت انسان دارای دو بعد مادی و مجرد است و حقیقت انسان همان روح و نفس است. کانت معتقد بود که وجود نفس را نمی‌توان از طریق استدلال عقلی اثبات کرد. لذا او با استفاده از اخلاق و وظایف اخلاقی به اثبات بعد مجرد انسان پرداخت.
- ۱۱۵- گزینه «۳» - درباره‌ی ماهیت انسان، به طور کلی دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه تک ساحتی که وجود نفس را انکار می‌کنند و دیدگاه دوساحتی که انسان را علاوه بر جسم، دارای روح هم می‌دانند. گزینه‌های ۱ و ۲ و ۴ به ترتیب دیدگاه افلاطون، دکارت و کانت و بیانگر دیدگاه دوساحتی‌ها در این زمینه است اما گزینه ۳ بیانگر دیدگاه تک ساحتی‌ها است، لذا مبنای آن کاملاً با سایر گزینه‌ها متفاوت است.
- ۱۱۶- گزینه «۳» - درک امتناع اجتماع نقیضین یک امر بدیهی و مربوط به عقل است که در نفس انسان است، عقل مربوط به هر موجود زنده‌ای نیست و فقط انسان عقل دارد.
- گزینه‌ی ۲ نظر ارسطو است هرچند شکل صحیح آن این است که «نفس انسان در هنگام تولد، حالت بالقوه دارد و هیچ چیز بالفعلی ندارد و به تدریج به فعلیت می‌رسد. افلاطون نگفته که «فقط» انسان دارای حقیقت برتری است.
- ۱۱۷- گزینه «۲» - اگرچه انسان ظرفیت و استعداد بی‌نهایت دارد اما این استعداد، به معنای رسیدن حتمی وی به کمالات نیست؛ انسان باید با اختیار و اراده خود این ظرفیت را به فعلیت برساند. روح و بدن دوجز مجزا نیستند که کنارهم قرار گرفته باشند بلکه وحدتی حقیقی دارند. گزینه ۳، جمله سهروردی است.
- ۱۱۸- گزینه «۳» - ملاصدرا معتقد بود که روح و بدن، دو چیز مجزا نیستند اما دکارت معتقد بود که روح و بدن کاملاً مجزا هستند.
- ۱۱۹- گزینه «۴» - سهروردی معتقد است که نفس انسان، اگر نورانیت بیشتری کسب کند حقایق هستی را بهتر رؤیت می‌کند و می‌تواند با کسب شایستگی و لیاقت بیشتر، مسیر کمال را طی کند.
- ۱۲۰- گزینه «۳» - ملاصدرا معتقد بود که ظرفیت روح انسان پایان ندارد و روح می‌تواند به هرمرتبیه کمالی در جهان دست یابد. ملاصدرا معتقد بود در ابتدای زندگی هر انسانی، معلوم نیست وی چه هویتی خواهد داشت.
- ۱۲۱- گزینه «۴» - فیلسوفان طبیعت‌گرا ریشه‌های فعل اخلاقی را در همان رفتار طبیعی انسان جست‌وجو می‌کنند.
- ۱۲۲- گزینه «۳» - دیدگاه فلاسفه مسلمان به دیدگاه افلاطون و ارسطو نزدیک است و آنان نیز عقل را منبع شناخت می‌دانند. (رد گزینه ۱) عقل عملی، کار خوب یا بد را تشخیص می‌دهد نه اینکه انجام دهد. (رد گزینه ۲) با توجه به اینکه هر انسانی فضایل را دوست دارد لذا با کسب آن‌ها احساس رضایت درونی خواهد داشت. (رد گزینه ۴)
- ۱۲۳- گزینه «۲» - فیلسوفان مسلمان مبنای تشخیص فعل شایسته و ناشایست را عقل می‌دانند اما تجربه‌گرایان اروپایی معتقدند که قرار داد اجتماعی مبنای افعال و اعمال هستند و همین نکته مبنای اختلاف نظر فیلسوفان است. گزینه‌های ۱ و ۳ و ۴ را همه فلاسفه می‌پذیرند.

۱۲۴- گزینه «۱» - از نظر فلاسفه مسلمان، منشأ گرایش به نیکی و گریز از بدی، «فطرت» انسان است و نه عقل نظری. آنها می‌گویند که بشر به فضیلت‌ها فطرتاً علاقمند است.

۱۲۵- گزینه «۳» - مبنای عقلانی یا غیرعقلانی تشخیص رفتار درست از نادرست، ریشه اختلافات بسیاری از فیلسوفان و مکاتب فلسفی است. سایر گزینه‌ها مورد اعتقاد همه فلاسفه است با این تفاوت که ماتریالیست‌ها این امور را مبنا و ملاک اخلاق می‌دانند اما از نظر دیگران، این امور از نتایج و پیامدهای اخلاق هستند.

پاسخنامه فلسفه دوازدهم

۱۲۶- گزینه «۴» - اولین قدم در شناخت بیشتر هستی و چیستی، باور به این قضیه است که به صورت مطلق تنها نیستیم. مدرس بودن و مادربودن یک فرد، هر دو صفات جداگانه‌ای از اوست اما در دنیای خارج هر دو صفت مربوط به یک شخص است. وجود و ماهیت در ذهن مغایر هستند ولی در دنیای خارج، یکی هستند.

۱۲۷- گزینه «۲» - از همان کودکی وقتی گرسنه و تشنه می‌شدیم به سراغ غذا و آب می‌رفتیم؛ این رفتار طبیعی بیانگر این هست که در اطراف ما چیزهای واقعی هست که برحسب نیاز از آنها استفاده می‌کنیم.

۱۲۸- گزینه «۳» - اگر مفهومی را در نظر بگیریم و در عالم خارج مصداق آن موجود باشد یا واجب الوجود بالذات و وجوب وجود را از ناحیه ذات خود دارد و یا واجب الوجود بالغیر است و وجوب وجود خود را از ناحیه علت تامه خود دریافت کرده است؛ در هر دو صورت رابطه آن با محمول وجود، ضروری است.

۱۲۹- گزینه «۴» - اگر وجود عین یا جزء ماهیت بود، در آن صورت، هر ماهیتی را که تصور می‌کردیم باید وجود هم می‌داشت (یعنی در آن صورت همه ماهیت‌ها واجب الوجود بودند).

۱۳۰- گزینه «۲» - فقط واجب بالوجودهای بالغیر، ذاتاً ممکن الوجود هستند. انسان ذاتاً ممکن الوجود است.

۱۳۱- گزینه «۳» - واجب بالذات نیاز به علت ندارد و واجب بالغیر زمان به وجود آمدنش به علت نیاز داشته است. هر حمل بی نیاز از دلیل، حمل ضروری است اما هر حمل ضروری، حمل بی نیاز از دلیل نیست. هیچ گاه وجود و ماهیت ترکیب نمی‌شوند. اگر وجود عین هر ماهیتی بود، لازم می‌آمد که همه ماهیات یکی باشند، زیرا وجود، مفهوم واحدی است و اگر این مفهوم واحد عین مفهوم همه ماهیات باشد لازم می‌آید که همه ماهیات یک مفهوم داشته باشند.

۱۳۲- گزینه «۴» - واجب بالغیر در حال حاضر موجود است و اینطور نیست که بود و نبودش مساوی باشد. واجب بالغیر در ذات و ماهیت خودش، ممکن الوجود است.

۱۳۳- گزینه «۴» - که به ترتیب می‌شود: امکانی - امکانی

گزینه ۱ ← وجوبی - امکانی

گزینه ۲ ← وجوبی - امکانی

گزینه ۳ ← امکانی - وجوبی

نکته: به این دو مثال و تفاوت آنها با هم دقت کنید:

یکی از انواع ویروس‌ها، آنفلوانزا است: امکانی

آنفلوانزا، یکی از انواع ویروس‌ها است: وجوبی

- ۱۳۴- گزینه «۱» - حمل اسب بر حیوان می‌شود «حیوان اسب است» که یک رابطه امکانی است. حمل ممکن الوجود بر موجودات نیز می‌شود «موجودات ممکن الوجود هستند: که این هم رابطه امکانی است. ممکن الوجودهای غیر موجود در واقع هنوز از حالت امکانی خارج نشده‌اند. برخی از موجودات جهان مثل خدا نیاز به علت ندارند.
- ۱۳۵- گزینه «۳» - رابطه درجه حرارت صفر با منجمد شدن آب، رابطه وجود بخشی یا علیت است. سایر گزینه‌ها به نوعی دو حادثه متوالی هستند و بین آنها رابطه علی و معلولی برقرار نیست.
- ۱۳۶- گزینه «۴» - تجربی دانستن سنخیت باعث می‌شود نتوان موارد تجربه شده را به علت‌های تجربه نشده تعمیم داد، نه اینکه نتوان برای علت‌های خاص، معلول خاص قائل شد. (رد گزینه ۱) اینکه علت، تحقق قطعی معلول را به دنبال دارد بیانگر اصل وجوب است نه اصل علیت (رد گزینه ۲) به دنبال اصل سنخیت است که انسان برای شناخت ویژگی‌های هر شیء می‌کوشد. (رد گزینه ۳)
- ۱۳۷- گزینه «۴» - علت، یعنی آنچه به دیگری هستی می‌دهد و معلول، یعنی آنچه که از دیگری هستی می‌گیرد. اگر در تعریف این دو مفهوم، از خود این مفاهیم استفاده کنیم دچار مغالطه تعریف دوری می‌شویم.
- ۱۳۸- گزینه «۱» - مطابق اصل سنخیت، معلول‌های مشابه باید از علت‌های مشابه صادر شوند. لزوماً همراهی دو پدیده دلیل بر رابطه علیت نیست. در گزینه ۳ واژه «احتمال» اشتباه است و باید می‌گفت قطعی و ضروری. اثر را فقط می‌توان به علت تامه نسبت داد و نه تک تک علل.
- ۱۳۹- گزینه «۲» - تجربه گرایان می‌گویند رابطه ضروری میان علت و معلول از طریق حس ایجاد می‌شود یعنی انسان یک رابطه ضروری مثلاً میان طلوع خورشید و روشنی زمین برقرار می‌کند و اسم این رابطه را علیت گذاشته است.
- ۱۴۰- گزینه «۲» - جمله مندرج در گزینه ۱، وجه اشتراک هیوم با ابن سینا است. مسلمانان علیت را عقلی و دکارت آن را فطری می‌دانست. گزینه ۴ عقیده تجربه گرایان است و نه هیوم.
- ۱۴۱- گزینه «۱» - در این عبارت، اتفاق به معنای انکار اصل ضرورت است یعنی با وجود اینکه تمام عوامل حرکت ماشین وجود دارد و مشکل و نقصی هم نیست ولی ماشین حرکت نمی‌کند. سایر گزینه‌ها به معنی رخ دادن حائیه‌ای پیش‌بینی نشده است و با اصل علیت و لوازم آن سازگار است.
- ۱۴۲- گزینه «۲» - قبول غایت برای موجودات جهان، وقتی امکان پذیر است که آن غایت، قبل از پیدایش اشیاء مشخص شده باشد تا اشیاء متناسب با آن و برنامه ریزی شده به سوی آن حرکت کنند.
- رخ دادن حوادث غیرمنتظره ربطی به قطعی نبودن قوانین طبیعی ندارد بلکه مربوط به علم ناقص ما است. قسمت اول گزینه ۳ دقیقاً سازگار با علیت است. حالت سوم نظریه بیگ بنگ می‌گوید که انفجار ماده فشرده به وسیله یک علت بوده؛ پس نمی‌تواند منافای علت نخستین باشد.
- ۱۴۳- گزینه «۱» - طبق کتاب راهنمای معلم، نظریه دموکریتوس، موافق معنای دوم و سوم اتفاق است. ضمن اینکه در نظریه دموکریتوس، تمام تحولات جهان در اثر برخورد اتفاقی ذرات ریز صورت می‌گیرد و لذا نمی‌تواند یک هدف و غایت از پیش تعیین شده داشته باشد. گزینه ۲ به این دلیل غلط است که همه حالات بیگ بنگ منجر به نفی علیت نمی‌شوند. گزینه ۳ به این دلیل غلط است که تکامل تدریجی موافق اتفاق نیست.
- ۱۴۴- گزینه «۱» - درس ۴ فلسفه دوازدهم.

- ۱۴۵- گزینه «۳» - جمله مندرج در گزینه ۳، نظر خود هیوم نیست بلکه انتقاد به هیوم است.
- ۱۴۶- گزینه «۳» - دکارت در مقدمات برهانش اشاره به این دارد که موجود متناهی تصویری از موجود نامتناهی دارد و این تصور را خود آن موجود نامتناهی درون انسان قرار داده است. او در مقدماتش به اثبات خدا نمی‌پردازد و صرفاً بحث «تصور خدا» را مطرح می‌کند.
- ۱۴۷- گزینه «۲» - هیوم برهان نظم که از تجربه گرفته شده است را نمی‌پذیرد. از نظر او صفات ازلی و ابدی و نامتناهی بودن خدا کلاً قابل اثبات نیستند. او هیچ وقت نمی‌گوید عقل اساساً وجود خارجی ندارد بلکه می‌گوید عقل اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد. از نظر هیوم با برهان نظم حداکثر می‌توان یک خالت ناظمی را اثبات کرد که در حال اداره جهان است و نه یک خدای ازلی و ابدی و نامتناهی را.
- ۱۴۸- گزینه «۴» - هرچند دکارت و کانت از روش عقلی خود در پی اثبات خدا یا ضرورت وجود خدا بودند اما جیمز، کرکگور، برگسون و کاتینگهام از براهین عقلی در اثبات خدا استفاده نمی‌کردند بلکه از تجربه‌های معنوی درونی و عشق و عرفان برای باور به خدا استفاده کردند.
- ۱۴۹- گزینه «۱» - صفحه ۲۹ کتاب فلسفه دوازدهم
- ۱۵۰- گزینه «۲» - از نظر هیوم، دلایلی که صرفاً متکی بر عقل باشد، مردودند؛ زیرا عقل اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد.
- ۱۵۱- گزینه «۲» - کانت در پی اثبات وجود خدا نبود بلکه ضرورت نیاز به خدا را مطرح کرد و اینکه چرا باید خدا وجود داشته باشد.
- ۱۵۲- گزینه «۱» - اولین مقدمه برهان حرکت، اشاره به وجود حرکت در جهان دارد. در برهان نظم، ناظم همان خداوند است. روش ارسطو در برهان درجات کمال، روش مقایسه‌ای و تطبیقی است. گزینه ۴ مربوط به افلاطون است.
- ۱۵۳- گزینه «۳» - کانت استدلالی مبتنی بر برهان نظم مطرح نمی‌کند. او در پی اثبات وجود خدا نبود. گزینه ۴ نظر فلاسفه مسلمان است.
- ۱۵۴- گزینه «۳» - هر دو طرف جمله مندرج در گزینه ۳ یکی هستند و نمی‌توان قسمت دوم جمله را از قسمت اول، نتیجه گرفت.
- ۱۵۵- گزینه «۱» - ویژگی‌های ذاتی برطرف شدنی نیستند. موجودات واجب بالغیر نیز، همچنان در ذات و ماهیت خود ممکن الوجود هستند.
- ۱۵۶- گزینه «۳» - بحث فیلسوف، خواه مسلمان باشد یا پیرو هر دین و آیین دیگری، تا وقتی فلسفی است که از روش فلسفی یعنی استدلال عقلی استفاده کند و نتایج تفکر خود را به صورت استدلالی عرضه کند.
- ۱۵۷- گزینه «۱» - اگر سلسله‌ای نامتناهی از علت‌ها را فرض کنیم که آغاز و ابتدایی در کار نباشد؛ در این صورت اصلاً چیزی پدید نمی‌آید تا نوبت به معلولی برسد که اکنون پیش روی ما است؛ به عبارتی وجود هیچ معلولی ضرورت پیدا نمی‌کند. سایر گزینه‌ها به نوعی بخشی از صورت سوال هستند و یا اینکه معنی صورت سوال را می‌دهند.
- ۱۵۸- گزینه «۳» - اینکه هر واقعیتی به علت نیاز دارد و سخن «برتر اندراسل» است. فارابی معتقد است که هر معلولی به علت نیاز دارد.

- ۱۵۹- گزینه «۴» - جمله مندرج در گزینه ۱ مربوط به معیار ۳ است. اگر فیلسوفی نتواند وجود خدا را اثبات کند، امکان پذیرش معیارهای زندگی معنادار را نخواهد داشت.
- ۱۶۰- گزینه «۴» - جمله مندرج در گزینه ۴، نظر مسلمانان است.
- ۱۶۱- گزینه «۴» - تمای فیلسوفان حتی تجربه گرایان، نقش عقل را در بررسی گزاره‌ها می‌پذیرند ولی تجربه گرایان عقل مستقل از حس را کافی نمی‌دانند.
- ۱۶۲- گزینه «۳» - در همان ابتدای دوره رنسانس، اختلافی میان فلاسفه درباره «محدوده کارآمدی عقل» آغاز شد و به تدریج رشد کرد. این اختلاف تا آنجا پیش رفت که فیلسوفان اروپا به دو دسته عقل‌گرا و تجربه‌گرا تقسیم شدند.
- ۱۶۳- گزینه «۴» - در دوره دوم حاکمیت کلیسا (قرن ۱۰ تا ۱۳ میلادی) حکمای مسیحی تحت تأثیر ابن سینا و ابن رشد به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند اما از آنجا که توجه به عقل با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، این توجه به تدریج به گسترش عقل‌گرایی و عقب نشینی اندیشه‌های دینی انجامید.
- ۱۶۴- گزینه «۱» - دکارت معتقد است عقل هم به صورت مستقل از تجربه می‌تواند به حقیقت برسد و هم از طریق تجربه. (مطالب و نکات کتاب راهنمای معلم را حتماً مطالعه کنید).
- ۱۶۵- گزینه «۲» - ارسطو معتقد بود که انسان فقط یک قوه عقل دارد با دو نوع فعالیت و کارکرد نظری و عملی.
- ۱۶۶- گزینه «۳» - جمله‌های اول و سوم، بدیهیات هستند پس مربوط به عقل بالملکه هستند. جمله دوم مربوط به دانش‌هایی هستند که انسان کسب می‌کند پس عقل بالفعل است.
- ۱۶۷- گزینه «۱» - درست است که عقل فعال، عامل فیض‌رسانی به عقل انسان‌هاست اما خود عقل فعال، یکی از عقول است نه اینکه پرتویی از عقول باشد. سایر گزینه‌ها کاملاً درست هستند.
- ۱۶۸- گزینه «۲» - از نظر اکثر فیلسوفان مسلمان، پذیرش هر عقیده‌ای، نیازمند استدلال عقلی است. عقل بهترین ابزار برای تفکر در آیات و روایات است.
- ۱۶۹- گزینه «۱» - قسمت اول گزینه ۱ مربوط به بدیهیات است و قسمت دوم آن، گزاره‌های قابل اثبات هستند پس مربوط به مرحله‌ای است که انسان دانش‌هایی را کسب کرده است (عقل بالفعل) جمله‌های گزینه ۲ به ترتیب مربوط به عقل بالفعل و عقل بالملکه هستند. جمله‌های گزینه ۳ هر دو مربوط به عقل بالملکه هستند. جمله‌های گزینه مربوط به عقل بالملکه هستند.
- ۱۷۰- گزینه «۲» - از نظر فلاسفه مسلمان، عقل بهترین ابزار برای تفکر در آیات و روایات است و ایمانی ارزشمند است که پشتوانه عقلی داشته باشد و ایمان بدون عقل، چه بسا انسان را به سوی کارهای غلط و اشتباه نیز بکشانند. این گونه نیست که استفاده از استدلال عقلی صرف به نتیجه مخالف وحی منجر شود.
- استدلال عقلی، شهود و وحی در موضوعات یکسان (و نه همه موضوعات) به نتیجه یکسان می‌رسند. شهود از طریق تهذیب نفس به دست می‌آید نه وحی.
- ۱۷۱- گزینه «۴» - مراجعه کنید به تطبیق صفحه ۷۲ و ۷۳ کتاب درسی. توجه کنید که جمله اول این سوال شبیه جمله اول تطبیق در صفحه ۷۲ است.

۱۷۲- گزینه «۲» - ویژگی اصلی حکمت مشاء همان صورت استدلالی آن و الگو گرفتن از ارسطو بود. این حکمت، توسط فارابی و به ویژه بوعلی سینا، ظریف‌ترین موشکافی‌ها آراسته شد نه اینکه از همان آغاز، این اتفاق افتاده باشد. (رد گزینه ۱) یکی از اهداف این حکمت، تبدیل انسان به جهانی عقلی مشابه جهان واقعی است نه تبدیل انسان به جهان واقعی. (رد گزینه ۳) طبق تعریف حکمت مشاء، درست است که رسیدن به ساعات به اندازه طاقت بشری است اما یک فیلسوف مشائی، وجود را آنچنان که هست می‌شناسد. (رد گزینه ۴)

۱۷۳- گزینه «۱»- مراجعه به تطبیق صفحه ۷۲ و ۷۳ کتاب درسی می‌پردازند.

۱۷۴- گزینه «۴» - پس از پیامبر مقام ریاست به امامان و جانشینان آنها می‌رسد مردم مدینه جاهله هدف مادی و دنیوی دارند. اینکه انسان ذاتاً اجتماعی است اولین مبنای او برای ورود به مباحث اجتماعی و سیاسی است.

۱۷۵- گزینه «۱» - ابن سینا معتقد است که روش‌های تجربی و استقرایی اگر هتکی بر اصول عقلانی باشند به ما در شناخت جهان طبیعت کمک می‌کنند. داشتن بیش‌کلی نسبت به جهان مستلزم تأمل در رابطه طبیعت با ماوراء الطبیعه و خداوند است. (رد گزینه ۲) اثبات خدا صرفاً از طریق مطالعه تجربی تک تک موجودات حاصل نمی‌شود بلکه باید به رابطه آنها با مبدأ وجود نیز توجه شود. موجودات عالم طبیعت نمی‌توانند منشأ آثار کل عالم طبیعت باشند.

۱۷۶- گزینه «۱» - از نظر قطب‌الدین رازی، این حکمت را از آن جهت اشراقی خوانده‌اند که از ظهور و انوار عقلی و تابش آنها بر نفس انسان‌های کامل به دست می‌آید.

۱۷۷- گزینه «۴» - ذات نخستین، همه چیزها را به وجود می‌آورد و با اشعه خود به آنها حیات می‌بخشد. هر زیبایی و کمالی، موهبتی از رحمت الهی است. تفاوت اصلی و جوهری فلسفه مشاء با اشراق، در روش فکری آنها است.

۱۷۸- گزینه «۴» - فلسفه اشراق بر شهود استوار است. گاه باشد که امام متأله در ظاهر حاکم باشد و گاه به طور نهانی. گزینه ۳، علت نام گذاری حکمت اشراق است.

۱۷۹- گزینه «۱» - خود عالم طبیعت به عنوان یک «کل» طبع و ذاتی دارد که منشأ و مبدأ حرکات و تحولات آن است. (و نه برعکس). خداوند عالم طبیعت را با لطف و عنایت خود پدید آورده است، لذا بهترین نظام یعنی نظام احسن است. ۱۸۰- گزینه «۲» - طبیعت هر شی‌آن را به سوی خیر و کمال مطلوبش سوق می‌دهد. طبیعت به معنی جسم و جسمانیت نیست بلکه ویژگی‌های ذاتی است که سبب می‌شود هر نوعی از انواع این عالم یک هدف معین داشته باشد. ذات هر چیزی یا از او پدید آمده یا از چیزی پدید آمده که خود آن چیز را خداوند به وجود آورده است.

۱۸۱- گزینه «۲» - پس از اینکه در اصل دوم، وحدت حقیقت وجود به اثبات می‌رسد، این سوال باقی می‌ماند که اگر حقیقت یکی است، پس کثرت‌ها از کجا نشأت می‌گیرد؟ با این وصف، قبول وحدت وجود به تنهایی نمی‌تواند کثرت را تبیین کند لذا ملاصدرا اصل مراتب داشتن وجود را مطرح می‌کند. بررسی سایر گزینه‌ها: بنیادی‌ترین اصل حکمت متعالیه، اصالت وجود است نه وحدت حقیقت وجود (رد گزینه ۱) اعتقاد به اینکه انسان واقعی است نه وجود انسانی، اعتقاد به اصالت ماهیت است نه اصالت وجود. اعتقاد به اصالت وجود است که برای ذهن معمولی، مشکل و پیچیده است. (رد گزینه ۳) براساس اصل مراتب داشتن وجود، هر مرتبه از وجود به میزان درجه وجودی خود، ظهور آن حقیقت است، نه به میزان درجه ماهوی خود. (رد گزینه ۴)

۱۸۲- گزینه «۱» - ملاصدرا بخش سوم کتاب اسفار اربعه را به افعال خدا و ربوبیت و حکمت الهی اختصاص داده است.

- ۱۸۳- گزینه «۲» - ملاصدرا در مهم‌ترین کتابش یعنی اسفاراربعه مباحث فلسفی و عقلی متناظر با مراحل سفر عرفانی را دسته بندی و تدوین نمود.
- ۱۸۴- گزینه «۳» - بعد از اینکه متوجه مغایرت وجود و ماهیت شدیم، این سوال مطرح می‌شود که: حال که آن شیء خارجی که منشأ پیدایش این دو مفهوم متغایر در ذهن ما شده، یکی است، این یک شیء واقعاً و حقیقتاً مصداق کدامیک از این دو مفهوم است؟ وجود یا ماهیت؟
- ۱۸۵- گزینه «۳» - ملاصدرا در هر موردی که از شهود یا وحی الهی بهره برده از این دو منبع نه به عنوان پایه استدلال بلکه به عنوان تأیید و شاهد کمک گرفته است.
- ۱۸۶- گزینه «۳» - در تفکر ملاصدرا، وجود، جنبه وحدت موجودات است و کثرت‌ها ناشی از تفاوت در مراتب وجودی است و نه ماهیت.
- ۱۸۷- گزینه «۴» - در فلسفه صدرایی، «وجود» که محور فلسفه مشایی بود و «نور» که اساس فلسفه اشراقی بود به هم می‌رسند و یکی می‌شوند و یک معنا و هویت می‌یابند.
- ۱۸۸- گزینه «۱» - اصالت به معنی واقعی بودن است و نقطه مقابل آن «اعتباری» است یعنی ذهنی بودن و واقعی نبودن. نور قوی و ضعیف قابل ترکیب نیستند. ماهیت‌ها متکثر و مختلف هستند. هر «وجود» امری واحد و مشترک است.
- ۱۸۹- گزینه «۱» - شرح مصباح الانس نوشته امام خمینی است.
- ۱۹۰- گزینه «۳» - درس ۱۲ فلسفه دوازدهم